



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## قیام مسلکانه

### راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ

در صفحه ۲

تحولات درونی جنبت حاکمه، بهر حال، جدایی وارد نمیشود

رژیم جمهوری اسلامی که از همان نخستین روزهای استقرارش در ایران، در تمامی عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی با تناقضات و تضادهای اساسی روبه‌رو بوده است، در دوران قدرت حاکمه تحولات درونی جنبت حاکمه، بهر حال، جدایی وارد نمیشود. این تضادها و تناقضات را آشکار نموده است. تضادها و تناقضاتی که در سراسر دوران حیات جمهوری اسلامی در فرون هیئت حاکمه، جگناهای مختلف آن، و در صفحه ۶

### خط مشی صحیح

### راه خود را می‌گشاید

آنچه که در تاریخچه حیات حرامان بخش میمی در جلب اعتماد و حمایت بوده‌های مردم ایضا میکند، همانا موقع گیریهای سیاسی مزیح و روشن و اتخاذ یک خط مشی صحیح و منطبق با منافع بوده‌ها درقبال هرگونه تحول سیاسی است. هرچند اتفاقا ذابن موقع صحیح در یک لحظه

معین و مفروض صحت خود را فوراً آشکار نماند و حتی توده‌های مردم سیر در همان لحظه نسبت به آن واکنش مثبت و مساعدی بر نرندند. در سراسر دوران حکومت جمهوری اسلامی مسائل و حوادث متعددی رخ داده است که موقع گیری درقبال هر یک از

در صفحه ۷

### بحران اقتصادی و تشدید

### خانه خرابی دهقانان

بحران اقتصادی همه‌جانبه ای که چندین سال مداوم تمام ارکان زندگی اقتصادی جامعه را فراگرفته است، تنها به حیطه تولیدات صنعتی و بحران در صنایع محدود نشده بلکه به رشته‌های دیگر حیات اقتصادی جامعه از جمله کشاورزی نیز در صفحه ۸

### حزب توده و "اکثریت"

### در تلاش برای توجیه سیاستهای خائنانه خود

حزب توده و "اکثریت" که همواره سازمانهای اپوزیسیون - رفرمیست ایران، سنش ستون بنجم بیروزواری را در جشن ضربه‌ها بر سر عمده داران دستار

وظیفه آنها تحقق و فریب کارگران، رواج ایده سازش طبقاتی و خرابکاری در جشن این طیف است پس از آنکه تازه ترین در صفحه ۹

### سرمقاله

### جنگ به مرحله حساس

### و تعیین کننده‌ای رسیده است

جمهوری اسلامی همچنان با تمام قوا در پی تدارک و سازماندهی یک نیروی عظیم نظامی و کلمه تجهیزات و تسلیحات لازم برای عظیم ترین تعرض نظامی خود در شش سال گذشته است. مداوم نیروهای تازه‌ای به جبهه‌های جنگ کسبل مسکوره و دوجمرهاشی از خریدهای کلان تسلیحاتی منتشر میشود. همه این شواهد و موضوعی بی‌شک است که رژیم که همگی برادامه جنگ و تعرض گسترده تا کید میکنند، نشان میدهد که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی قطعا طی نیمه دوم سال جاری اس تعرض وسیع، گسترده و همه‌جانبه خود را در جبهه‌های جنگ آغاز خواهد کرد. تمام شواهد و دلایل موجود حاکی از آن است که جنگ به مرحله حساس و تعیین کننده خود نزدیک گشته است.

در صفحه ۲

### در استانه باز گشایی مدارس

زندگ درس و مسارره در سال تحصیلی جدید در حالی بعدا در مسابده که در اثر بمباران شهرها و تداوم جنگ ارتجاعی تعدادی از دانش آموزان به خاک و خون کشیده شده‌اند. تعدادی دیگر در اثر تبلیغات جنایتکارانه و فریبکاری رانسیه

در صفحه ۱۰

### یادداشت‌های سیاسی

۱ - جمهوری اسلامی در رویای کسب زانداومی منته

۲ - جمهوری اسلامی و اجلاس سران "جیش عدم عهد"

۳ - چرا سران حکومت به گرامی و کمبود کالا اعتراض میکنند؟  
در صفحه ۱۸

برای بوقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

### جنگ بفرجه حساس

و

### تئیس کننده‌ای رسیده است

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علی‌رغم تمام فحایمی که جنگ طی چندسال گذشته بارآورده و علی‌رغم کشتارهای هولناکی که درهرشهرنظامی صورت گرفته است، برآبهرورسهای نظامی و اشغال نظامی سرزمین عراق را برگزیده است. تاکتیک نظامی ای را هم که برای تعمیق استراتژی خود در این شهرنبدان متوسل گشته، تاکتیک تعرض و حمله از طریق امواج انسانی درطول سراسرجهت‌های جنگ، با حداقل، درهمینترین نقاط دارای اهمیت استراتژیک بطور همزمان است. این در عین حال یک تاکتیک عمومی برقی آسا و ضربتی است که طی آن می بانددها هراتن از نیروهای جمهوری اسلامی در چند محوراز جنبه‌های جنگ جنوب، غرب و حبه مرکزی حمله را همزمان آغاز کرده و در کونا‌هی به اهداف تعیین شده دست یابند. اما مسئله در این است که تا ما توجه به مجموعه شرایط اقتصادی، سیاسی و نظامی موجود، رژیم جمهوری اسلامی نادر است. این طرح نظامی خودجمله عمل پوشند رژیم برای این تعرض نظامی خود اعزام کرده به سازماندهی حداقل یک میلیون نیرو نیاز دارد. کاری که به سادگی از عهده جمهوری اسلامی برنی آید. شاید رژیم قادر باشد تا بسول به تمام نیروه‌های زور و سرکوب و تحقیق رقیمی نزدیک به این نیرو را بسج کند، اما قطعاً سازماندهی و نذارک تسلیحاتی و نظامی این نیرو با توجه به ناشناسی‌های ذاتی این رژیم در غرضه‌های مختلف و سیز و صمت و خبیتم افشادی، سیاسی و نیروی بین‌المللی آن بسیار دشوار است. این واقعیتی است که سازماندهی یک چنین نیروی عظیمی مستلزم ابزارهای لازم، امکانات وسیع و نیروهای سازمانده و ورزیده است. اما وضع رژیم تا بدان حد و حتم است که ارگانهای سرکوب و نظامی آن، در اطلاع‌های خود از کسانی که قادرند واحدهای نظامی را سازماندهی و رهبری کنند، می‌خواهند که خود را به مراکز نظامی رژیم معرفی کنند. از این گذشته سازماندهی امکانات و نذارکات لازم برای یک چنین نیروی وسیعی در حبه‌های جنگ، ضمن درجده مواد غذایی، بیوناک و تجهیزات نظامی گساری بسیار دشوار است که سازماندهی برآمده

بر روی زمین، امکانات و گادریهای فاسل ملاحظه، و بالاخره هزینه‌های کلان و سرمایه آور نظامی است. رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی می‌خواهد دست بسج ما جراحی عظم بسج که از حیث اقتصادی در حبه بسج و صحت خود قرار دارد، در حالی که درآمدهای نفتی رژیم هر ماه از بسج ملیارد دلار بسیار کمتر شده است، شنهنه هزینه‌های نظامی اش در هر ماه حداقل ۱/۵ ملیارد دلار است. این و خاما وضعیت اقتصادی و مالی رژیم قطعاً امکانات بسج و سازماندهی او را کاهش میدهد. از بسج دیگر هر آنچه که رژیم به نیروی انسانی در حبه تکه کند با هم نیازمند سلاحهای است که تا بسج به انفراد بین المللی اش نمیتواند آنها را تهیه کند. امیربالیستها و دیگر برتعمین نیز تا بدان حد، بسج و بسجیم و تا غیر مستقیم اسلحه در اختیار رژیم میکنند که موازنه موجود حفظ شود. همه این واقعات نشان میدهد که رژیم جمهوری آسلی نمیتواند یک تسنرکنشی در موازنه موجود بسج آورد. اما همین واقعات بسج تراه اس مسئله است که در این شرایط، رژیم در بسج تراه اس مسئله است که در این شرایط، رژیم در بسج تراه اس مسئله است. اصل بسج دلیل در روی آوری رژیم تا بسج ما جراحی عظم نظامی همانا تا بسج روز افزون مردم آزادانه جنگ، و خاما روز افزون امواج اعتمادی و تا بسج رژیم در تحمل هزینه‌های جنگ است. رژیم حتی بسج چند ماه نیز قادر بسج حفظ این نیروی عظیم در حبه‌های جنگ نیست. بسج به همین عوامل است که رژیم به یک تاکتیک ما جراحی و جانی تا بسج متوسل گشته است. چرا که این تاکتیک منجر بسج کشتار هولناک مردم ایران خواهد شد. رژیم عراق هر بسج که از نظر نیروی انسانی قادر بسج برابری با جمهوری اسلامی نیست، اما دارای برتری تسلیحاتی و تکنیکی قابل ملاحظه‌ای است. بسج برتری نیروی هوایی، زرهی و نیوچه‌های ارتش عراق، در شرایطی که جمهوری اسلامی اسانه تعرض از طریق امواج انسانی دست خواهد زد، دارای اهمیت تعیین کننده است. و منجر بسج کشتار عظمی خواهند شد. رژیم سادگی قادر نیست در حبه‌های جنگ بسجیم کند. دلیل این امر همانا بسج که بسج از بسج نیروی آن تا بسج شده است، در این واقعیت است که موازنه‌های گادگتون در حبه‌های جنگ ایران و عراق حاکم است. بمسبول بگرفته، عوامل و ساستهای بین‌المللی است. جنگ دولتهای ایران و عراق بسج نیست که بسج آن اسانه محدود بسج

کشور است بلکه بسج بسج مناطق‌های بین‌المللی است و همین امر بسج تا بسج مانع از بسجوری نظامی بسج از طرفین جنگ بر بسجی شده است. این بسج از بسج بسج مهمی است که در مرحله گساری نیز بسج آسرا بسج با آورد. جمهوری اسلامی هدف استراتژیک خود را در تعرض قریب الوقوع خود اشغال نظامی عراق سرنگونی رژیم این کشور و استقرار یک دولت دست نشانده و مذهبی بسج رژیم گساری قرار داده است. اما ساستهای سیاستهای منطقه‌ای و بین‌المللی مخالف این بسجوری جمهوری اسلامی است. در عرصه جهانی بسج سوریه و لبسج که بسج چندانی هم در ساستهای بین‌المللی ندارند، ساستی کشورها بسج توسعه طلبی جمهوری اسلامی مخالفند. هر چند جمهوری اسلامی یک رژیم بسج است ارتجاعی است و با ان اسلامیم آن بسج از ابزارهای مهم امیربالیسم در مقابل جنبش‌های کمونیستی منطقه محسوب میگردد. با این وجود با ان اسلامیم جمهوری اسلامی که در رویای ایجاد یک امپراطوری اسلامی در منطقه و از بسج دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه و از بسج دیگر با امیربالیسم در ساست قرار می‌گسرد بسج طلبی‌های جمهوری اسلامی شنهنه اشغال نظامی عراق و استقرار یک دولت دست نشانده در آنجا محدود نمیشود بلکه عراق نخستین هدف در توسعه طلبی با ان اسلامیتی جمهوری اسلامی محسوب میگردد. چنانچه جمهوری اسلامی به این هدف خود دست یابد، دیگر رژیمهای منطقه چندان مشکلی برای جمهوری اسلامی محسوس نمیشود. این امر تا بسج جمهوری اسلامی و کلیه رژیمهای منطقه را تشدید نموده است. شنهنه رژیمهای عربی منطقه نیستند که از این ساست جمهوری اسلامی در هراسند، بلکه دولت صهیونیستی اسرائیل نیز که تا بسج به اشغال مختلف از جمهوری اسلامی در این جنگ حمایت کرده است و با زهم از ادا بسج در ساستی حمایت میکنند، هرگونه برهم خوردن توازن قوای موجود را بسج خود بسجند. رژیم صهیونیستی اسرائیل بسج طرفت صفا عراب و بسج جنبش فلسطین آزادانه جنگ حمایت کرده و میکند، اما بسج وجه نمیتواند یک دولت مذهبی و با ان اسلامیت را در مرزهای خود تحمل کند. امیربالیسم بسج بسج طرفت صفا عراب از رژیمهای تحت الحما به خود در منطقه و از بسج دیگر با ان علت که بسجوری جمهوری اسلامی در جنگ موازنه موجود را برهم خواهد در صفحه ۱۲





احضار عیبه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

# قیام مسلحانه

## راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

شش سال از هنگامیکه حاکم همه جانبه دولتهای ایران و عراق آغاز گردید، گذشت جنگی که جرسته روری و بدبختی، کشتار و ویرانی و فقر و خانه خرابی، و دهها بیست اجناسی دیگر نتایج آن برای سوده های مردم ایران و عراق در پی بدبختی است. آنچه که طی این شش سال بر مردم دو کشور ایران و عراق گذشته است، بحق فاجعه ای را که این جنگ ارتجاعی بساز آورده است نشان میدهد. تعداد گذشته ندگان، معدومین و معلولین از مرزیک میلیون گذشته است. میلیونها تن از سوده های مردم این دو کشور به سلب ادا ماه جنگ، خانه و گانه خود را از دست داده، از شهرها و روستاهای خود رانده شده و آواره و در بدر گشته اند. بخش عظیمی از این مردم از هستی ساقط شده بصورت آوارگان جنگی، در اردوگاههای فقر و بدبختی تلسار شده و در بدترین شرایط معیشتی و بهداشتی بسر میبرند. صدها هزار خانواده ها غدار و محبت دیده، به سوگ عزیزان از دست رفته خود نسته اند. جنگ تعداد زیادی از شهرها و روستاها، مراکز اقتصادی و بخش عظیمی از نوسهای ملی دو کشور را که ارزش آنها حدود ۵۰۰ میلیارد دلار محسب زده شده است، سکلی ویران و نابود کرده است. این جنگ همه ساله میلیاردها دلار هزینه، به مردم ستم دیده این دو کشور تحمیل نموده و طی شش سال گذشته این هزینه ها متجاوز از ۲۰۰ میلیارد دلار نده است.

جنگ شش سال تمام، عموم سوده های مردم ایران و عراق را در تنوش و بیم، دلپیره و اضطراب قرار داده است. هر لحظه اضطراب و تنوش ناشی از سازمان، سوگ باران و کلوله ناران، هر لحظه بیم و دلپیره ناشی از، اردست دادن فرزند، شوهر، برادر، و پدری که در جبهه های جنگ است، چون کاسوسی و خشناک بر فرار مردم ایران و عراق قرار داشته است.

اما، نتایج ناخوشایند این جنگ به آنچه گفته شد، محدود نیست. جنگ، اقتصاد ایران را نده ویرانی تمام و کمال سوق داده است. طی شش سال گذشته سربس و ستم اقتصادن جامعه سوزناک گراننده و بحران اقتصادی شدید نده است. بسیاری از کارخانه ها و موسسات تولیدی سکلی تعطیل نده و در سدهای دسترس نده حدائق ممکن کاشی نده است. کتاوری با وضعیت وخیمی رو بروست و سربس محمولات کتاوری، در بسیاری موارد کتاوری نده است. وضع چنان وخیم است که حتی ابتدائی ترین نیازهای مردم دم از طریق واردات تامین نمیکردد. کمبود کتاوری نده است. با تعطیل روز افزون کارخانه ها و موسسات مختلف، مداوما تعداد بیشتری از کارگران بیگاره شده و به ارتش عظیم سگاران پیوسته اند. دهقانان نیز که تحت تاثیر شدید بحران اقتصادی بحر روز افزونی خانه خراب نده اند، به این ارتش عظیم سگاران پیوسته اند. هم اکنون تعداد سگاران از مرز ۲ میلیون تن گذشته است. این جمعیت چند میلیون در مرز کتانی هستند که حتی از تامین حداقل معیشت خود و خانواده شان محرومند و با فقر و سه روری هولناکی دست یگیرا نند.

قیمت کالاها طی چند سال ادا ماه جنگ، مداوما افزایش یافته است. هر روز و هر ساعت، سربس کالاها افزوده شده است. روزی نمیگذرد که سربس با محتاج عمومی مردم افزوده نگردد. فشار این تورم افکار گسخته سربس قبل از همه بر سوده های مردم ایران، به ویژه کارگران قرار دارد، که دستمزد ناچیر آنها ثابت مانده است. این فشار بعدی است که دیگر سوده های مردم قادر نیستند با دستمزد و حقوق ناچیری که دریافت میکنند، حداقل مایحاجی را که برای گذران یک زندگی معمولی لازم است، تامین کنند. بسیاری از خانواده های رحمتگان حتی قادر به خریدن گوشت و سربس مواد غذایی دیگر نیستند. این فشارهای عظیم ناشی از بحران اقتصادی، به همراه تحمیل هزینه های ناشی از جنگ بر کرده رحمتگان، زندگی را بعد غیر قابل تحمیل رسانده است. رژیم ارتجاعی و جنگ طلب جمهوری اسلامی هزینه های سرام آور جنگ را مستقیم و غیر مستقیم بر سوده های مردم ایران قرار داده است. بخشی از این هزینه ها از طریق ارزش اضافی ناشی از تولید ندهت، که کارگران آفریننده آن هستند و بخشی دیگر به ویژه از طریق مالیاتهای غیر مستقیم اخذ میشود. طی شش سال گذشته، مداوما بر سوران مالیاتها افزوده شده است و سربس سرف خود سران رژیم، پرداخت کنندگان اصلی این مالیات کارگران، دهقانان، حرده تولید کنندگان و کسه جز، و حقوق سگاران دوان شده اند. اما دولت تنها به اخذ مالیات اکتفا نمیکردد بلکه مالیات سربس مستقیم و غیر مستقیم، بارور و سدید و سرف از مردم گرفته است. سرفا بخشی از



چند سال پیش با انقضای خود، رژیم شاه را جامعه مدرب و پیمان نظامی و سکوپاش و از گون شدند و نظام سلطنتی زامه کورستان  
تاریخ سپردند، سنگ دوام و سفا، رژیم ارضایی جمهوری اسلامی را نیز تحمل نخواهند کرد و آنرا همان کورستانی خواهند سپرد  
که رژیم سلطنتی را سپردند.

دور نیست روزی که توده‌های مردم ایران، مستمکان حاکم را سرنگون سازند، به جنگ پایان بخشند و یک حکومت دمکراتیک و  
انقلابی را در ایران برپا دارند. این بگانه‌راهی است که در برابر زحمتکشان و مردم ایران قرار گرفته است.

سازمان ماسوران سازمانی که ارسامع طبقه کارگر، و ارموع این طبقه از منافع عموم توده‌های زحمتکشان و مستمیدیه ایران  
دفاع میکنند، از همان نخستین روز آغاز حکم بر ماهیت ارتجاعی این جنگ تا کید مسود و در هر گام مبارزات ارسامع برده‌های مردم  
ایران و عراق نشان داد. امروز سر پس از کید مسود در سال ۱۳۵۲ آغاز جنگ خطاب به سائوده‌های مردم ایران تا کید میکنم که تنها  
راه نجات از شر نفرت‌خیزی، ستم و دیکتاتورنوا فاشیسم، جنگ و سراسری تمام منلحاته طبقه رژیم جمهوری اسلامی و ایجاد  
یک حکومت دمکراتیک انقلابی است که در آن، قدرت سیاسی در دست کارگران و دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. تجربه  
چند سال گذشته، برپژه قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی نشان داد. ماهام که قدرت سیاسی در دست توده‌های مردم قرار نداشته  
باشد، وضع روز بوزور و خشم تر خواهد شد.

تجربه نشان داد که تنها سرنگونی رژیم شاه نیست، بلکه مهم تر از آن قدرت ستمگانی است که باید در دست  
توده‌های مردم قرار بگیرد تا بار دیگر مرتجعین رمام امور را در دست نگیرند و بر مقتدرات مردم حاکم نشوند. ما  
بر این مسئله به همان اندازه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تا کید میکنم، چرا که از هم اکنون مرتجعین در کمین نشسته‌اند تا  
با سرنگونی جمهوری اسلامی، دوباره قدرت را دست بگیرند. روش ترس نبوده آن سازمان معاهدت خلق ایران است که میخواهد  
درست همان تفتی زاری کند که خمینی و دارودسته او در حین سرنگونی رژیم شاه برمیخیزد. سازمان مجاهدین که سینه دروغ  
خود را مدافع مردم و انقلاب معرفی میکند، در واقع امر مدافع حفظ قدرت سیاسی در دست سرمایه‌داران است. علاوه بر این، علی‌رغم  
اینکه جمهوری اسلامی ماهیت ارتجاعی و دمکراتیک هر حکومت مذهبی را به همگان نشان داد، سازمان خواستار ایجاد  
یک حکومت مذهبی دمکراسیم " جمهوری دمکراتیک اسلامی " در ایران است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با انگش، از استقرار یک حکومت انقلابی دمکراتیک در ایران دفاع میکند که در آن قدرت  
سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. دمکراسی شورایی انجام شود و مردم از طریق شوراهایی که  
هم بمنابه فوه سینه و هم اجرائیه عمل میکنند، اعمال حاکمیت نمایند. سازمان ما با هر شکل حکومت مذهبی مخالف است و  
خواهان جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب است. ما از حکومتی دفاع میکنیم که حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را،  
برسخت بیندازد. هرگونه ستم و ستم‌پس بر پایه جنسیت، ملت و قومیت را ملنی سازد، حقوق اجتماعی برابر زنان با مسبردان را  
برسخت بیندازد و حق ملیتهای تحت ستم کرد، ترک، بلوچ، ترکمن و عرب را در ستم سرنوت خویش بگذرد. ما از یک حکومت انقلابی  
دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران دفاع میکنیم که فا در است کانهای اساسی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و وابستگی  
اقتصادی بردارد. یک حکومت انقلابی - دمکراتیک طبقه مناسج و موسسات متعلق به سرمایه‌داران بزرگ و انحصارات بین‌المللی  
را معادله و ملی خواهد کرد. کلسه قراردادهای امارت با امپریالیسم را ملنی خواهد نمود. مطالبات فوری کارگران از جمله حق ۴۰  
ساعت کار و دور و دور تعطیل بی دربی در هفته و یک ماه مرخصی سالانه را متحقق خواهد ساخت. کنترل کارگری بر تولید و کنترل تسوده‌ای  
بر توزیع را عملی خواهد نمود. کلیه اراضی و املاک زمینداران بزرگ را منفع دهقانان معادله خواهد کرد. کلیه بدهی‌های دهقانان  
به دولت، بانکها، موسسات مالی، ملاکین و رباخواران را ملنی خواهد نمود و اقدامات جدی در جهت رفاه عمومی زحمتکشان معسول  
خواهد داشت.

بنابراین توده‌های مردم ایران باید تجارب گذشته خود را بکار بندند، تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک  
حکومت انقلابی - دمکراتیک نمیتواند صلح دمکراتیک و تحقق درخواستهای انقلابی - دمکراتیک مردم را عملی سازد  
کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!  
برای پایان بخشیدن به جنگ و دست‌بازی بیگ صلح دمکراتیک، برای پایان بخشیدن به تمام معاشی که رژیم جمهوری  
اسلامی ببار آورده است، یک‌راه در برابر شما قرار گرفته است، قیام مسلحانه.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلقی  
زنده باد سوسیالیسم  
سازمان چریکهای فدائوسی خلق ایران  
شهر پیورماه بگزار و سید و نعمت و پنج

تحولات درونی هیئت حاکمه

نیز حلقه جدیدی وارد نمود

سایب دستگاه دوستی بروز نموده است. لطفی این رژیم را آرام نگذاشته است. ندانم کشمکش حاکمان و بحران قدرت. مقام یک بحران حکومتی به بحرانی دیگر. مقام رشد تا حدی تا حد سرور یک تکاف عمیق دریا تا میا زره ای حاد. تصمیم یک جناح، حل یک شفا دویا زهم باز آزی تفاهای دیگر و نشاندن آنها. بر این مناسبت که سرگذشت رژیم جمهوری اسلامی بیک معنا سرگذشت رژیمی است که از همان نخستین روز تولدش حاصل بحران دریا تا میا زره و کشمکش حاد جناحهای هیئت حاکمه و بحران قدرت است. سخن آنکه رژیم ناه سرگسوس گردید و هیئت حاکمه کنونی در مامان مور را بدست گرفت. مبارزه و کشمکش درونی هیئت حاکمه آغاز گردید. گروهی از لیبرالها بر رهبری بازگان و گروهی از کلبکها بر رهبری بهشتی. آن یک دروازه هیئت دولت و این یک دروازه شورائی با ملاحظه انقلاب مبارزه علیه یکدیگر برخاستند. کشمکش ها شدت گرفت. مخالفت های طرفین در زمینه های مختلف بروز کرد. مبارزه شکل عینی و آشکارتری به خود گرفت. و کلبکها مبارزان و دارو دسته و سقوط کرد. اما هنوز مدت زمانی کوتاه از کنار زده شدن جناح بازگان از اوضاع قدرت گذشته بود که بار دیگر تفاهات لیبرالها و کلبکها شکل یک کشمکش حاد میان جناحی که منی مدد در اواس آن قرار داشت و جناح بهشتی سازتاری شد. اس مبارزه و کشمکش همچنان مرحله حادی رسد که یک تکاف عمیق در درون هیئت حاکمه پدید آورد و چیزی نمانده بود که این تکاف به اسمعلا و فزوپاشی تمام هیئت حاکمه منجر گردد. اما این مبارزه جناح کلبکها و سر جناح رقیب فاش آمد. منی مدد و دارو دسته و اوارا تمام قدرت کبار گذاشته شدند و این تفاهت در درون هیئت حاکمه حل گردید. اما هنوز قدرت حاکمه از دست این تفاهت و کشمکش ها و ملاحظاتی از آن نجات نیافته بود که بار دیگر تعداد درون خود کلبکها نشاند و دو جناح در برابر یکدیگر صف آرا می بردند. در اواس یک جناح رقیب منی مدد و در اواس جناح دیگر خاسته ای در زمره حکومتی آن قرار دارند. مبارزه و کشمکش میان اس دو جناح اکنون مدتهاست که شکل عینی و آشکاری خود گرفته است و در همه عرصه ها خود را نشان

داده است. سروهای واسه مابین دو جناح آشکارا در مجلس ارجاع بعد از آنکه علیه یکدیگر برداشته و مستقما به جناح دیگر حمله میکنند. در مطروحات و معارضه ها حقه های نماز جمعه و رادیو تلویزیون هر جناح دیگر را منبهم به ناتوانی و خوارکاری علیه حکومت میکشد. سراسر اس دو جریان در مرحله ای رسیده است که جسیدی پیش هنگام رای اعتماد مجلس به هیئت وزیران موسوی، علیرغم فتوای خمینی، نمایندگان جناح مخالف موسوی، به نسبت و زبیری وی مخالفت کردند. و اتمت وجودی این تکاف و کشمکش اکنون مسور اعتراف هر دو جناح است. بر همین مناسبت که رقیبانی چندی پیش طی سبک معارضه مطبوعاتی اذعان کرد که رقیبانی سخت میان این دو جناح که بنا بگفته او هر دو سوی و در همه سبها و ارگانها حضور دارند. در جریان است. او در همین اعتراف به قدرت جناح دیگر، اما بی تریسین مسئله مورد اختلاف این دو جناح را مابین اقمیادی معرفی کرد و جناح رقیب خود را منبهم ساخت که از مالکیت خصوصی تا محدود دفاع میکند. خواهان محدود شدن هر چه بیشتر مدافع دولت در امور اقتصادی، سپردن همه امور بدست سرمایه داران خصوصی است و ارمناض سرمایه داران و زمره داران بزرگ دفاع میکند. در حالیکه جناح دیگر بیسی جناحی را که خود رقیب منی مدد است آن محسوب میگردد بعنوان جناحی که اار اختلاط بخش دولتی و خصوصی دفاع میکند. معرفی نمود. در بی این معارضه رقیب منی مدد، جناح دیگر که بویزه، پس از حیراسی خمینی و دفاع او از موضع اقتصادی اس جناح، و در حاد روز افزون او منبهم اسما دی مومنت را مناسب یافت دست به یک سلسله حملات تبلیغاتی علیه جناح رقیب منی زد. و با ادا همچنان بگی دیگر از حکومتی این جناح یک یک مقاله که در چند شماره نشریه رسالت چاپ رسد. ضمن پاسخ به معارضه رقیب منی مدد که اس جناح نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه در تمام عرصه ها اساسیهای جناح دیگر مخالف است و برای اسکه جناح رقیب منی مدد در معرض فشار بیشتر قرار دهد و مانع از حمایت منی مدد از روحانیون دیگر از اسب جناح گردد. ادعا نمود که این جناح مخالف همه سنی و روحانی است. مقاله نامه ادا همچنان و با حیرانها ب دیگر حکومتی اس جناح در مجلس علیه دولت و بطور کلی جناح رقیب منی مدد نشان دهنده جدت روز افزونی معادلهای این دو جناح است.

جناح حاکمتهای با و خاست روز افزون و منبهم اقتصادی جامعه و تشدید بحران که بویزه ساکاتین در آید منت قدرت بهشتی با نسبه حیات خود را به جناح دیگر تشدید نمود و از سردن همه امور اقتصادی جامعه دست بر نامه داران بخش خصوصی دفاع میکند. از این رو بخش عمدهای از سرمایه داران این بخش خصوصی از این جناح دفاع میکنند. بویزه سرمایه داران بزرگ بازار منبهم همه حاکمتهای از این جناح دفاع میکنند. پس جناح رقیب منی مدد، حاکمتهای با لایا قیل ارگانهای رهبری کننده باعث نمود در این دستگاه را با حضور ارد که از آن جمله میتوان به مراجع مذهبی صاحب نفوذ در مراکز مذهبی، جامعه روحانیت، سپهران و شاخه های وابسته به آن جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. اس جناح در تمام ارگانها و نهادها و حاکمتهای حکومتی از نفوذ قابل ملاحظه ای برخوردار است. هر چند این جناح در مجلس در اقلیت میباشد. اما بیک اقلیت نیرومند و متمركز رانگسل میدهد که هیچ اقدامی بدون موافقت آن نمیتواند صورت گیرد. به علاوه در شورای نگهبان دارای چنان نقش مسلطی است که هر آنچه و قانونی را مخالف منافع خود سنجیم داد. در آنجا و توخواهد گذرد. ریاست جمهوری وابسته باین جناح است. تعدادی از وزرا در هیئت دولت نیز وابسته به آن هستند. این جناح نفوذ قابل ملاحظه ای در کمیته ها، و سبها، دادگاهها و در دواشرادین تلویزیون سیاسی داراست. اکثریت حزب جمهوری اسلامی و رهبری آن سراز اسب جناح دفاع میکنند. اما جناح دیگر که رقیب منی مدد در اواس آن قرار دارد، هر چند در اواس تفاوت ماهوی با جناح دیگر ندارد و همچون این جناح از منافع سرمایه داران و ممالکین دفاع میکند. اما اسب جناح سستوار سرمایه داری دولتی دفاع میکند و خواهان دخالت هر چه بیشتر دولت در امور اقتصادی است. این جناح سلطنتا توانی در پیشبرد امور و حاکمتهای روز افزون و صنعت اقتصادی و سلطه آنکه عمدتاً سراز منبهمای "دولتی" تکبسه دارد، با ورکسگی مالی دولت موقیمتیش در هیئت حاکمه در معرض فشار روز افزون جناح دیگر، که سلطه اقتصادی تقویت شده است سستوار کرده است. این جناح هر چند در مجلس اکثریت را در اختیار دارد اما اس اکثریت ثابت و متمركز نیست. هیئت دولت نیز که اکثریت آن سراز وابستگان به اسب جناح تشکیل میدهند. در صفحه ۱۱



### خط مشی صحیح

## راه خود را می‌کشاید

آنها برای سازمان ما اهمیت فوق العاده زیادی داشته و در هر موقع گیری محاسبات و عقانیت ملی سازمان را بری طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم ایران بیشتر روشن نموده است. در زمره مسائل بسیار مهمی که مردم ایران طی چند سال گذشته با آنها روبرو بوده اند و عواقب و نتایج غیر قابل انکاری در تمام اینها در زندگی آنها داشته است، به مسئله جنگ می توان اشاره کرد. اینکه این جنگ، جنگی ارتجاعی است که متضمن منافع توده های مردم ایران و عراق نیست اکنون دیگر بر عموم توده ها آشکار گشته و آنها در عمل در تجربه رور مره خود با این واقعیت آگاهی یافته اند. اما هفت سال پیش در نخستین روزهای جنگ که جنگ دولتها ی ایران و عراق از حالت درگیریهای پراکنده، و مرزی بیگ جنگ همه جان نسیه و گسترده، تبدیل شده بود، وضع بگونه ای دیگر بود. اکثریت عظیم توده های مردم ایران نه فقط در آن ایام هنوز نسبت به رژیم جمهوری اسلامی متوهم بودند و آنرا مدافع منافع خود می پنداشتند، بلکه بر وزن جنگ احساسات ناسیونالیستی و شوینستی را بشدت در میان توده ها دامن زده بودند توده های مردم نه تنها قادر به درک ماهیت این جنگ نبودند، بلکه بشدت گمراه شده بودند. سوژواری حاکم بر ایران که منافع متعددی را در این جنگ دنبال می کرد به احساسات شوینستی در میان کارگران و زحمتکشان ایران دامن میزد، و هر کسی را که مخالف این جنگ بود با انواع و اقسام اتهامات مورد حمله قرار می داد. سوژواری در اپوزیسیون نیز که منافعش در اساس با منافع سوژواری حاکم یکی است، توده ها را به شرکت در جنگ تشویق می کرد، و احساسات شوینستی را تشویق می کرد. اما این بریکارها علیه توده های مردم تنها محسن سوژواری نبود، عوامیل سوژواری در حین طبقه کارگر، اپورتونست - رفرضتهای تسوده ای و " اکثریتی" نیز سیاست سوژواری را در این زمینه پیش می بردند و برای آن محصل شوریگ نیز دست و پا می کردند. اینسان استدلال می کردند که رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم انقلابی است که در این جنگ

برکت دارد و سایرین مردم ایران باید بجا طردیاع از انقلاب خود در این جنگ میانه شرکت کنند، و جنگ را از جانب رژیم جمهوری اسلامی جنگی برحق، عادلانه، انقلابی میدانستند. و دفاع میهنی در جنگ را تجویز می کردند. جریانات دیگری نیز همچون سازمان مجاهدین خلق و راه کارگر هم در واقع همین نظر حزب توده و " اکثریت" را ارائه می دادند و تبلیغ می کردند. اما در این میان و در بحبوحه ای که - ناسیونالیسم نکت نظرانه همه جا را فرا گرفته بود و سوژواری و عوامیل آن مداوما به شوینت احساسات شوینستی در میان توده ها دست میزدند، سازمان ما با حرکت از موضع طبقه کارگر و منافع عموم توده های زحمتکش ایران و عراق بیگانه نشی صحیح و انقلابی را ارائه داد و آشکارا اعلام نمود که این جنگ، جنگی ماهیتا ارتجاعی است که تنها منافع سوژواری خودی و امپریالیسم و به زیان توده های مردم است. در مقاله ای که یک هفته پیش از آغاز جنگ در ۸ مهر ماه ۱۳۵۹ با عنوان " ماهیت جنگ ایران و عراق و موضع ما" در نشریه "تار" چاپ رسید گفته شده بود که " برای شناخت عادلانه و با غرر عادلانه بودن جنگ، انقلابی یا ارتجاعی بودن آن، باید روشن شود که چه چیزی باعث علت جنگ بوده است، کدام طبقات به آن دامن زده اند و چه اهدافی را دنبال می کنند" " از آنجا که سیاست خارجی ما ادامه سیاست داخلی است و از آنجا که جنگ ادامه و انعکاس سیاست داخلی است، پس خملت جنگ و ماهیت آن اساسا به رژیم داخلی آن کشور بستگی دارد." و در ادامه این مقاله نتیجه گیری شده بود که " سیاست داخلی این دولت در همین مدت کوتاه به آنکارترین وجهی، ماهیت ارتجاعی سیاستهای آنرا نشان می دهد: " بدین لحاظ اگر ساسی که یک دولت محسن در مرحله پس از جنگ در ساسات داخلی و خارجی و سیستم سیاسی خود اعمال کرده است در حین جنگ نیز ادامه خواهد یافت، دولت جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و ادامه سیاستهای آن بشکل دیگر یعنی جنگ، انقلابی نیست

حکارتی روی دولت ایران سر نمی تواند استیسی و عادلانه ارزیابی نمود." این موضع گیری بریح و روشن علیه جنگ و افشای ماهیت آن که امروزه حتی سر توده های نا آگاه مردم نیز محبت آن آشکار شده است، بیگانه مومنگیری صحیح و منطقی با منافع توده های مردم بود. این خط ملی ماهیت شوینستی دیدگاههای اپورتونستی را افشاء می کرد و به توده های مردم آموخت که برای ارزیابی جنگ باید سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی را پیش از آغاز جنگ مورد ارزیابی قرار داد. جنگ نمی تواند از رژیمهای سیاسی که موجود آن هستند جدا بشاید. اگر رژیم جمهوری اسلامی از همان نخستین روز موجودیتش سیاسی را که در پیش گرفته، ساسی ارتجاعی علیه منافع توده های زحمتکش بوده است، در حین جنگ نیز همان سیاست ادامه خواهد یافت و از این سر و جنگ از جانب جمهوری اسلامی نیز جنگی، غیر عادلانه، ارتجاعی، و تجاوزکارانه است. این پاسخی بود و ندان نکن به اپورتونستهای امثال حزب تسوده و اکثریت و سوزا و کارگر که همه بنحوی از اینها از جنگ میهنی محبت می کردند و توده ها را به دنباله روی از سوژواری و سیاستهای آن سون می دادند. " اکثریت" این سیاست خائسانه و فریبکارانه خود را تا بدناج پیش می برد که اعلام می کرد: " وظیفه هر مسین برست واقعی و هرگز منبده راه استقلال و آزادی است که با تمام قدرت به دفاع از جمهوری اسلامی برخیزد." او خطاب به توده های مردم می گفت: " در این شرایط مبارزه با امپریالیسم آمریکا و مبارزه با تجاوزات رژیمهای منطقه و دفاع از استقلال مسین معنای جز دفاع از جمهوری اسلامی ندارد." این خط مشی و استدلال شوینستی دقیقا در خدمت سوژواری، اهداف و منافع آن بود که میگویند بر ساساتهای ارتجاعی جمهوری اسلامی سرپوش بگذارد، و توده ها را به دنباله روی از سوژواری سوق دهد. چنوب مسکن بود رژیم که در دوران کوتا حکومتی میل از جنگ به ارتجاعی ترین سیاستها منوسل شده بود و در دفاع از منافع سوژواری به ختن ترین و ارتجاعی ترین شیره ها علیه توده ها متوسل شده بود. در همین جنگ سیاسی

# زند و بیاد سووسیالیسم

### بحران اقتصادی و تشدید

### خانه خرابی دهقانان

سرداس البته تکامل عام است که در نظام سرمایه داری و هرچا که مناسبات سرمایه داری آغاز به گسترش می نماید، دهقانان بحربه مستقیم و بعضی عظیمی از آنان که ناب مقاصد در برابر برکسپزش مناسبات سرمایه داری و رقابت با مویست سرک رانها رانده خانه خراب شده و اکثر آواره شهرها میگردد. با این وجود بحران اقتصادی و سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بر خانه خرابی دهقانان بدت افزوده است.

رژیم نه فقط از حمایت مالیسی و تکنیکی از دهقانان دریغ نموده بلکه سیاست مناسبات کنترل قیمت ها و مجبور کردن خرده تولیدکنندگان روستا به واگذاری محصولاتشان به قیمت تعیین شده به دولت، دستا برده قانان را افزایش داد. علاوه بر این با حمایت مادی و معنوی از مالکین و زمینداران بزرگ دهقانان را در معرض فشارها و تضییقات بیشتری قرار داد. همه این عوامل سرحدات وضعیت دهقانان افزود. دهقانانی که با رای مقاومت در برابر این همه فشارها ایستادند و سیاستهای روستا را در زندگی، در رفقا و روستاها و منصفه های مالی قرار گرفته اند، مجبور و افزونی خانه خراب شده و از هستی باطل شده اند. این سیاستهای رژیم در حالی که دهقانان را پیوسته به خراب کرده و سرحدات منافع گشای و تشدید بحران افزوده است، بسین از پیش نفسخ زمینداران بزرگ را در روستاها تقویت نموده است بر این مناسبات که هرچه دهقانان خانه خراب میسود و زمینهای خود را از دست میدهد، این زمین ها در دست زمینی داران بزرگ متمرکز میگردد.

بر طبق آمار رسمی موجود در حالیکه از مجموع تولید نه ۲/۵ میلیون خابسوار ما هر زمین ۶۵ درصد آسان رادها با نسبی سکنیل میدهد که با کمترین هکتار زمین، مجموعاً ۱۵ درصد اراضی مزروعی را در احسار دارند و تازه نسبی آسان دهقانان صاحب زمینان کمترین هکتار را است. ۱۵ درصد خانوارهای مزروعی ما نسبی از ده هکتار ۶۵ درصد کل اراضی مزروعی را در دست خود دارند که یک درصد آن نسبی نسبی بزرگترین مالکان با در احسار دانش روستایی به صاحب زمینان ۵۰

سط یافته و بحران زمینی را در کناوری پدید آورده است. اکنون جدید سال مداوم است که بخش کناوری در یک رگود مداوم بر سر برد و پیوسته تولید محض و صادراتی گاه باخته است.

وضعیت کناوری در ایران که به سمت از عوارض و مناسبات ساخت و استنه سرمایه داری، با رالیها نسبی، اندک از هم گسخته بوده است، با سرور بحران عظیمی که از او باطل شده، بحانه اقتصاد جامعه را فراگرفت، با وضعی سرمایه استنه است با اثرات از گذشته روستا و کندی و بحران و ناسانسانی های همه جا سه ای این بخش را فراگرفت.

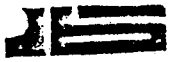
از هنگامیکه رژیم جمهوری اسلامی در ایران بد قدرت رسید نه تنها هیچ بهبودی در اوضاع صورت نگرفت بلکه در نتیجه سیاستهای ارتجاعی این رژیم بحران اقتصادی تشدید شد و هنگامی که بدت بافتن بحران در صنایع، بحران در کناوری و سر ادامه بافت و تشدید گردید. در مدت کوتاهی محصولاتی که پیوند نزدیکی با مناسبات داشتند، به ویژه آن محصولات که مناسبات مواد خام برای برخی محصولات صنعتی محسوب شدند و کل تمام محصولات که به تنوع ای عالی نیرو با استفاده از تکنیکها و روشهای علمی بدست می آمد، با حاد بودی پیش رفت، صنعتی که تولید پسته و چغندر و صنایع میزان غیر قابل تصوریکاهن بافت و سایر ارواحدهای گشت و صنعتی مگا ستره ارمسان رفتند. عین همین امر در مورد سایر صنایع و حتی مراکز دامپروری نیز رخ داد. در مورد محصولات دیگر همس وضع پهن آمد و بکاره میزان محصولات جان گاه نسبی بافت که هنوز بسیاری از محصولات پس از گذشت نزدیک به هشت سال از بدت رسیدن جمهوری اسلامی در حدی کمترین سال ۵۷ تولید میگردد. بازده محصولات پلاستیک، کاهن بافت و مرور گستر محصولاتی را منسوی بافت که بازده آن فی المثل در سبک کناوری در حد سال ۵۶ باشد.

رژیم جمهوری اسلامی در مقابل این بحران در کناوری و کاهن محصولات با نسبی رژیم شاه را با حاد و بدت سنتری ادامه داد و منظور مقابله با کمبود محصولات کناوری، به انکا درآمدهای عظیم منسبی به واردات محصولات کناوری و سوسل کردید و به چنان حدی زمینان واردات با نسبی که در مدت کوتاهی واردات کنند نه به برابر اثرات بافت. با نسبی رژیم است سیاست دولت، تشدید بحران در کناوری و حمایت روستا و صنایع دهقانان در برابر

هکتار، حدود ۲۱/۵ درصد اراضی مزروعی را در تصرف خود دارند. البته این ارقام مربوط به سال ۶۱ است و قطعاً از آن پس، با تسخیر بحران و حمایت همه جا نشتر رژیم از زمین داران بزرگ که منجر به بازپس گرفتن زمین ها از دهقانان شده است، تعداد کثرت دیگری از دهقانان فقیر خانه خراب شده، زمین خود را از دست داده اند و این زمین ها هر چه بیشتر در دست مالکان بزرگ متمرکز شده است. نتایجها نتواند که بحران اقتصادی در شهرها منسقی با سر شرایط زندگی کارگران تا شکر گذاره بخش عظیمی را بسکا و روابط زندگی بخش دیگر را تسر که هنوز مشغول بکارند، بسیار دشوار و غیر قابل تحمل نموده است. این بحران منجر به وفات شرایط زندگی دهقانان در روستاها، خانه خرابی روز افزون آنها و مهاجرت سبیل آسای دهقانان از هستی باطل شده و فقیر به سوی شهرها در جستجوی کار روستا نشان به شهرها و اسکان بافتن آنها در پهنای شهرهای بزرگ و زندگی فلاک با این حمایت عظیم گرسنگی و محروم، اکنون بدت است که چنان ابعادی بخود گرفته و بسکی از مسائل حاد جامعه تبدیل شده است که حتی بحران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را تسر که از عواقب هجوم ملسرینا انسان گرسنه و فقیر به شهرها به بدت هراسناک شده اند، به چاره جوشکی واداننده و هریک از سران و مسئولین حکومتی برای جلوگیری از مهاجرت روستا نشان به شهرها نسخه های رنگارنگ ارائه میدهند. اما نه تنها هیچ اقدامی در جهت بهبود شرایط زندگی این ارتش عظیم فقر و گرسنگی صورت نگرفته بلکه مداوماً بر تعداد آنها نیز افزوده میگردد.

اینکه چرا این جمعیت عظیم، روستاها را تسر که میکنند و روانه شهرها میگردد، علت همانگونه که ذکر شد در ذات نظام سرمایه داری، بحران عمیق و همه جاسه اقتصادی و مجموعه سیاستهای ضد استیسی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی است. اصولی یکی از خصوصیات نظام سرمایه داری در این است که از طریق حواس ذاتی خود مدام خرده تولیدکنندگان بزرگ و روستا و از جمله دهقانان نسبی را که مالک قطعه زمین کوچکی هستند، از پای درمی آورد و از هستی باطل میکند. دهقانانی که با رای رقابت و مقابله با مویست بزرگ ندارند، خانه خراب میشوند. زمینان را از دست میدهند، در جستجوی کار در صفحه ۱۲





عش‌خاسته خود را غنچه نرفته تار شکر  
به فرجام رساندند و طره شمعش سنگری  
سریکربلعه کارگروا غفلت ایران وارد  
آوردند، دوباره سزای مدح‌خانه‌ای را  
آنا زگرده اندامگر در آینه سزبخوانند  
بار دیگر این وطنه خود را انجام دهند.  
اراس روی از آنکه روشنی تمام  
و کمال خط منی و سانسای این دوازمان  
بر همگان عیان و آشکار گردید و توده‌های  
رحمتکش مردم ایران بگناز دیگر در غفل  
دیدند که اینان بجز خدمتگداری به بورژوازی  
مره زدن به جنس طبقه کارگر و انکسب  
ایران رسالت دیگری سرعیده ندارند ،  
بار دیگر نا هدم که ایسن دو سازمان  
تلاشهای رسمی را آغاز کرده اند تا نتوی  
از انجا سیاستهای خود را در دفاع از رژیم  
ارتجاعی جمهوری اسلامی توجیه کنند ، و بر  
حماستهای بی انتهای خود سرپوش بگذارند .  
این مسئله بویژه از اهمیت برای ایسن  
سازمانها بیک مسئله جدی تبدیل شده که  
افشاء و ورشکستگی سیاستهای آنها منجر به  
سروزیک بحران عمیق در مفهوم خود آنها شده  
است . اختلافات درونی شان تا بدان حد  
بالگرفته است که فی التمل گروهی از  
اعضا گسته مرکزی حزب توده علم مخالفت  
را علیه گروهی دیگر سرداشته و دست به  
انتشار اطلاعیه‌های جداگانه‌ای در انضای  
رهبری حزب توده زده اند . بیسار ایسن  
اپورتونیستهای توده‌ای "اکثریتی" به  
چاره جوشی برداخته و مستطورنوجس خط  
منی خود رهاش ارمیمه‌ای که بسد آن  
گرفتار شده اند . به برگزاری با مطسلاج  
کنفرانس ویلنوم متوسل شده اند . در ان  
مان حزب توده که خود بخوبی آگاه است  
که آنچه در دوران رژیم جمهوری اسلامی  
انجام داده است ، در حقیقت وظیفه ایسن  
حزب سیموان دلال سازش طبقاتی و  
خدمتگذار بسورژوازی سرورده است ، در  
کنفرانسی که اخیرا تشکیل داد ، بی سرور  
عدا از کنار رسواشیهای سیاسی خیرش گذشت  
و تنها مخالفن حزبی اش را بسداد  
استفاد گرفت و در باره شعار جنبه خلقی اش  
را بسمان کشید و همه را دعوت به شرکت در  
این جنبه نمود . حزب توده بخوبی میداند  
که اگر بخواد وارد چون و چرا ی خط منی و  
سیاست خود در دوران جمهوری اسلامی گردید ،  
سردامنه رسواشاش افزوده خواهد شد .  
چنانکه کوشی هیچ اتفاقی نیافتاده است  
از کنار مسائل گذشت . اما توده ایسهای

## حزب توده و اکثریت در تلاش برای . . .

جوان سرورکم تجربه تر یعنی "اکثریت"  
در یلنوم خود میگونه‌ای دیگر بر خود کردند  
تا چیس و لوسود کسید که کویا به خط منی  
خود در دورانسی که خدمتگذار نام و تمام  
جمهوری اسلامی بودند انشاداتی هم دارند  
اما "اکثریت" به هر مسئله‌ای که بر داخت  
بستقر ما هست اپورتونیستی خود را افشا  
سود بیسیم "اکثریت" که مدعی است به  
خط منی خود در دوران رژیم جمهوری اسلامی  
استفاده‌ها را انحصار شای بی انتهای خود  
چگونه سرخورد می کند : "اکثریت" در گزارش  
به پلننوم این میگوید :  
"رویدادهای چند ساله اخیر ، تحارب  
منحنی که طی این دوره بدست آمده است ،  
تحلیل‌های کتوشی و خط منی امروز ما ،  
همه روشن مینمازند که خط منی و بر نامه ما  
در سالهای ۶۰ تا ۶۱ در جهت خلاف رونسب  
عسی زربندها حوده است ."  
اس تمام آن با مطسلاج اشتفاد است  
که "اکثریت" بخودش وارد میداند .  
خوب در این کنسار اکثریت دفست  
کشید و اپورتوسیم را در کلیه بد کلمه آن  
سند : او استدلال می کند که "تحلیل‌های  
کتوشی" و "خط منی امروز اش همه روشن  
مما زد که خط منی "اکثریت" در جهت خلاف  
رونسب زوبدها حوده است "آنیم تنها  
در سال ۶۰ و ۶۱ : اینکله لنین میگوید  
اپورتوسیم با افتقار اصول مینم و ثابت  
منحن منسود و مشکل بتوان مع اپورتوسیم  
را با فرمول گرفت ، چرا که "اپورتوسیمت  
بنا بر ما هیت خود همه اس از طوح سرخ و  
قطعی مسئله احترار مسجود و منسما رسن خنرا  
ناسح و منسوخ بخود مسبجد ، به شبیک ترین  
شکل ممکن در این کنسار "اکثریت" بسکی  
است ، با لخره معلوم نمسود که آیا  
"اکثریت" در قبال حیانتشایی که مرتکب  
شده هج اشتفادی بسجود وارد میداندانه ؟  
هرچند که کار "اکثریت" را اینفا دکذشته  
است . سهر حال نحوه فرمولسندی  
بگونه است که سانه سار باط و وساع و  
احوال بتواند این جنبه را خنسر کند .  
اسکه اس خط منی چه سناجی بسار  
آورد ؟ چه فرماتی را بر بر کجینش وارد  
آورد و سته آن در کجاست "اکثریت" با بس

مسائل بسبیر از ده . او مطس اعتراف می کند  
که خط منی و بر نامه اش "در سالهای ۶۰ و  
۶۱ در جهت خلاف رونسب عسی رویدادها حوده  
است . حال چرا ؟ علت اش روشن است .  
"رونسب عسی رویدادها" میبایستی بر طبق  
خط منی و بر نامه حزب توده و "اکثریت"  
سنتسری بسوبالیستی رژیم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی باشد و این "سنتسری"  
داشت نه بسروخوشی صورت می گرفت و همه  
چیز بر وفق براد بود که مینا گمان جمهور  
اسلامی با سح تمام در بوزگی ها و خوش  
خدمتی های "توده‌ای" "اکثریتی" را با  
یک سلسی محکم داد . از اینخا دیگر  
"سنتسری" برهم میخورد و "رونسب عسی  
رویدادها" چیر دیگر مشود که نتسجه اش  
عدم مطابقت بر نامه و خط منی حزب توده و  
"اکثریت" با "رونسب عسی رویدادهاست"  
پس اگر در این بیان بین خط منی و بر نامه  
"اکثریت" و رونسب عسی رویدادها شکافی  
هم بدسد آمده باشد مقصر جمهوری  
اسلامی است که از سمت گیری بسوبالیستی  
منصرف گردید و الا حزب توده و "اکثریت"  
ارهح تلاشی در بخ نوریده اند! ایسن  
است مننای واقعی گفتار "اکثریت" . از  
سوی دیگر اکثریت فقط از سالهای ۶۰ و ۶۱  
سخن میگوید که هدف او در عین حال ایسن  
است که گار نامه سناه خیانت اش را بسید  
این دوسال محدود کند . اما هرابسان  
اندک آگاهی این را در سربخوبی فهمیده  
است که سالهای ۶۰ و ۶۱ ادا مه رونسب عسی  
رویدادها در سال ۵۸ و ۵۹ است و هیچ تفسیر  
اساسی در ما هیت رژیم و سیاستهای آن سور  
سکرت که سیاست "اکثریت" مرفسا در  
سالهای پس ارا ۶۰ خلاف رونسب عسی رویدادها  
سوده باشد . بلکه سال ۶۰ نقطه است که  
ارتجار رژیم جمهوری شرفات خود را بسه  
انقلاب و دست آوردهای انقلابی توده‌ها که  
ارقبسل آغاز کرده بود وسعت می  
بختند . "اکثریت" میخواد برای سرپوش  
گذاردن بر خیانتشای خود و توجیه سیاست  
اپورتونیستی اش ، رژیم را در سالهای قبل  
از ۶۰ منرفی و انقلابی معرفی کند . اما  
اکنون دیگر همه در یافتند که رژیم  
جمهوری اسلامی از همان نخستین روز  
شکل گیری اش رژیمی ضد انقلابی و ارتجاعی  
سوده است . این رژیم بسنامه پاسسدار  
نظام سرمایه داری و مدافع منافع سرمایه  
داران و متسکن از همان فردای قسام  
در صفحه ۱۳

## زنسده و بساده استتقلال طبقاتی کارگران

### در استانه بازگشتی مدارس

رژیم نه جنبه های مردم و ملت و انقلابی  
نه و فربانی نظام سرمایه دارانه که در  
سای تحصیل دانش و آگاهی روزم آنها  
را بمسواں جا روبرو مبادی منبسراری  
لشگریان اسلام مورد بهره برداری میسران  
داد. بختی از دانش آموزان منبتی بسته  
خانواده های رنجگنر، تکلیل اینکه باور  
نشوده اند معارج تحصیل را سرافرازند .  
از رفتن به مدرسه محروم شده است و  
با نخره تعدادی از دانش آموزان بحاطر  
فعالیت های انقلابی دستگیر و در انبسر  
نقشتی عقاید مسئولین امیر بربررسی از  
مدارس اخراج گشته اند . رژیم تا بوسیله  
جو سرکوب و خفغان را در مدارس با کسای  
تا بر عرصه های اجتماعی از دانش داده است  
علاوه بر این امر با ن حکومت چهل و  
سرکوب برای دانش آموزان کمبود پذیرد .  
کمبود گاه در آموزش کمبود کتب درسی و  
آنچه گاه سال بران شدت افزوده شده  
است ، افزایش هزینه تحصیل از طریق  
افزایش شهریه ها ، گرایی بر سهام آور  
لوازم التحریر و غیره میباشد .

با این همه بازگشتی مدارس به رژیم  
تعمای وضعیت که تصویر تدبیر خود مختار  
آغا حرکتی معده ، تخمینی جدید و سوده های  
نو مابین استرهای از دانش آموزان آگاه  
و انقلابی است . مدارس مراکز برجستین و  
خروشی بوده اند که نفس خود را در دوران  
تدارک قسام همن ماه و سالهای پس از  
آن بضمه نشان داده اند . پس و جنبه  
جمهوری استانی از مدارس نشان میدهد  
گانونه های مبارزه ای خروشنده بی جنبه  
ست . تلاشهای همه حایه رژیم برای سر  
فراری جو خفغان و سرکوب ، کمبسراردن  
حاسواں انجمن اسلامی جهت منبسن عقاید  
شناختی منبسن و منبسن آگاه ، مسرار  
و انقلابی ، مقابله تا سایر عقاید افکار  
انقلابی نیروی دانش آموزان از طریق  
سلسله حرانی و اما نه فرهنگ منبسن  
و فنون و خطای و ... سایی از آن روش  
که رژیم خود بضمه نفس مونتر بحمصان  
دانش آموزی را در مبارزه بر علیه رژیم  
ساخته های مشاهده کرده است .

با این وجود جمهوری استانی غیرم  
آنکه طی بهال گذشته سرکوب در مسا به ای  
را در مدارس سازمان داد ، ارتقا نیکی  
حاسوی را ایجاد و تقویت نمود ، دهها هزار

دانش آموز معلم استانی و سایر روشنگر  
را به بندکند و با اتمام کرد و با  
سوده اما همکاران منب و هر استی از این  
گازوبهای مبارزه ایان معده  
جمهوری استانی تا کشور  
نشان کرده است تا از طریق برهان استکوز  
برسی ، دانش آموزان را بمسوی خنتری  
داده و بر علیه سلیق خرافات مذهبی از  
مدارس مسواں آموزشگاه و سرکوب سررو  
برای جنبه های جنگ ارتعای بود خورند و  
از طریق اوقات بقوی در مقابل افکار استکوز  
سازد ، این نشانه های رژیم ، هرچند در  
استاد لیدل توهن گسترده ای ، که بست به  
حکومت در سطح جامع ، وجود استکوز  
تعدادی را محدود عقاید ارتعای نماید ،  
اما همزاین دوران ستاز کوتاه بزده ، و  
برودی شیوه های تمخیز عقاید با شا مع  
و حرمان بر خود تبدیل گردید و در  
آموزان بیشتر به ماهت ارتعای رژیم  
پی بردند .

اما رژیم متناسب با تکست نشدن  
توهم دانش آموزان ، متناسب با افشا شدن  
ماهت ارتعای اش ، سرکوب و اش  
خرافات افزوده است . جایگزینی دروس  
مذهبی با مطالب علمی و افزایش ساعات  
دروس دینی و حذف دروسی نظیر تکامل از  
سیره های حکومت برای مقابله با آگاهی  
معلمین بوده است ، گاه اما تنها نتیجه اش  
آگاه شدن بیشتر منب و ماهت تک  
رژیم مذهبی بوده است . دانش آموزان  
اکسور اس و اصب را در با معادنگه  
و منسی که سرمدارس جاگم اش ، بخشی از  
مجموعه ساستهای ارتعای رژیم میباشد و  
اس ساستها در تمامی عرصه های اجتماعی  
انمال مسرد . و از اس روشها ای مشترک

یکی از روشها سر علیه حکومت جهل و  
سرکوب میطلند ، مبارزه ای که نتیجه اش  
ساید استفرار حکومتی و اعدا دمکراسک و  
انقلابی ساند  
در شرایط کنونی که حکومت ساستی  
امکانات حایه را در حدت جنگ سررار  
داده است و بسوده تا کسین ماسن مداوم  
جنگ و حسانات رژیم ، ار حمله در مدارس -  
گامتا میسرود است ، ساید اساس سلطعات  
حول ماقبت جنگ ارتعای و سیدل آن به  
جنگ داخلی بر علیه رژیم سازمان ساند .  
در مقابل شعار " جنگ جنگ تا سروری رژیم  
ساید شعار " مرگ سرکوب ، مرگ سرکوب  
استانی ، سررا با جمهوری دمکراسک  
خلق برار داده شود .

در مدارس ، سکل عینی مسرد ساستی  
رژیم در مورد جنگ ، مسح دانش آموزان

برای انعام به جنبه ها و در با تکتهای  
بندی وحسی برای نفوس ساهان جهل  
و سرکوب و خاور و همجنس حتی مسردن  
بمالشهای انقلابی سوط حاسواں انجمن  
استانی و برهان امونرسی - تریست  
دانش آموزان برای حاسوی برهن سر  
روی منادین من - است ، در مقابل  
و طبعه دانش آموزان و معلمین انقلابی و  
مبارز ، تبلیغ بر علیه جنگ ارتعای  
آگاه ساحت دانش آموزان ( هرچند اندک )  
نا آگاه از ماهت این جنگ ، نشان دادن  
پیوسته رژیم جنگ و اهدافی که رژیم  
از جنگ دسال میکند ، افشای نقش مزدوران  
رژیم در مدارس و طرد عملی آنها میباشد .  
نوشتن شما بصورت مخفیان بر علیه جنگ  
و سرکوب و مبارزه تا رژیم و عوامل منب در  
اشکال مختلف متناسب با شرایط جاگم سر  
هر مدرسه - اما در راستای اهداف عمومی  
جمن - از جمله اقداماتی است که هم  
اکنون کاملاً مسراست .

دانش آموزان و معلمین انقلابی در  
من حال باید توجه داشته باشند که هر  
تعمای مسائل و مشکلاتی که در عرصه مدارس  
بوجود آمده و ساند ، از کمبود معلم ، از  
اخراج دانش آموزان و معلمین ، از افزایش  
شهریه ها از کمبود مسائل آموزشی و غیره در  
جهت بارور کردن جو اعتراض - در مقابل  
جو سرکوب رژیم - دانش زدن به مبارزه  
و روحه مبارزاتی ، و مقابله جویی ساید  
عوامل رژیم آگاهانه میتوانند بهره گیری  
استثنای نمایند .

دانش آموزان هواداران سازمان ، ساید  
رغابت کامل مسائل استینی ، از جمله  
ساخت کامل بکدیگر ، با تشکیل هسته های  
هواداران ساید به خوبتری میتوانند  
مقاومت در مدارس ، ساید روشی و اشکال  
مختلف تبلیغ را در مدرسه سازمان دهند .  
دانش آموزان هوادار هسته های هوادار  
بحد سراطی که هم امسکان فریه  
بدری ارسوی رژیم در حداقل باشد و هم  
امکان فعالیت مشترک ساید بر دانش آموزان  
آگاه و انقلابی فراهم باشد ، میتوانند  
با تشکیل هسته های مخفی مقاومت در مدارس  
مسطور گیرند ، سرکردن فعالیت ساید  
دمکراسک خود در راستای اهداف جنبش  
انقلابی نگردد و خود را ایجاد این شرایط  
ساخته مسراست دست نگار شود .  
انقلابی ساید استوار ساید پیش  
سرکردن مدرسه بر منب شود را  
در سروری کارگران و رنجگان نشان  
خواهد داد .

### خط روشنی صحیح

## راه‌شود راهی کنایه

دیگروادربیش نکرد؟! اما جمعیت وضع گسری سازمان ماضور در آن ایام بر بسیاری ارتوده‌های مردم پوشیده مانده بود. هنوز بخش عظیمی از توده‌های مردم سمبواستند در کشتند که چرا جنگ از جانب رژیم جمهوری اسلامی نیز جنگی ارتجاعی و نجاورکارانه است. گذشت مدتی گونا گامی بو-ساتوده‌های مردم با نجاور رورمره خود به صحت و حقانیت موضعگیری ما واقف گردند. چرا که جمهوری اسلامی در حسن جنگ برداشته و سیاستهای ارتجاعی خود افزود به بنانه جنگ به سرکوب توده‌ها پیورادخت. آزادی‌بها سیاسی را از مردم سلب نمود. استثمار کارگران را شدت بخشید بر شدت فشارهای خود بر مردم افزود، و با گذشت هر روز بیشتر آشکار شد که این جنگ نینها و نینها سنج بورژوازی و امپریالیسم و به‌زیان توده‌های مردم ایران و عراق است. گذشت مدتی گونا گامی بود نجا توده‌های مردم به دروغ برداشته‌های سوزواری در باره جنگ مسمی و نینها دروغ بردارینها و فریبکاریهای عوامل آن واقف گردند. چنانکه امروز دیگر حتی حش‌های از بورژوازی و نینها عوامل سوزواری تا گزیر شده اند. که شمار هسای گذشته خود را کنار بگذارند. امروزه دیگر حتی حزب توده، "اکثریت" و راه‌کارگر سراز جنگ مینتی و "تادانه" جمهوری اسلامی حسی بمیان نمی آورند. موضع گیری درست و حقیقی سازمان ما که منسج از واقعیات مسمی و خط مسمی علمی و انقلابی سازمان ماست. چهره همه فریبکاران را به توده‌های مردم نشان داد. اما همه کسانی که با دفاع از جمهوری اسلامی و جنگ ارتجاعی در انتظار توده‌های مردم رسوا و سی اعتبار شده بودند. با دیدی که شمار "ملح" و با چهره‌ای حق بجانب بمسندان آمدند. تا وظیفه خود را در خدمت به بورژوازی این بار بشکنی دیگر پیش ببرند. آنها از توده‌های مردم خواستند که از رژیم جمهوری اسلامی طلب کنند و شمار سازمان ما را مسمی بر "تبدیل جنگ به جنگ داخلی" برودا انتقال دو حمله قرار دادند. این موضع اپوروشینستی مسمی بر درخواست ملح از جمهوری اسلامی انا به این توهم در میان توده‌هاست که گویا بورژوازی مینواند لخی راه به مردم بدهد که مسمی مناقس نینها باشد. اگر جنگ ادامه سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی است و اگر این جنگ

بطور لاینتمکی با ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی مرتبط است. پس روشنی است که ملح نیز نمیتواند جدا از جنگ و ماهیت ارتجاعی تمام سیاستهای رژیم باشد. گمانیکه از توده‌های مردم میخواهند که از رژیم جمهوری اسلامی طلب کنند. توده‌های مردم را فریب میدهند و آنها را با زیجه مقاصد بورژوازی و دیپلماسی آن فرار میدهند. این موضع در واقع همان سیاست فراخواندن توده‌های مردم به دنباله‌روی از بورژوازی در اوائل جنگ، بشکنی دیگر است. سازمان ما با حرکت از موضع طبقه کارگر و منافع عموم توده‌های زحمتکش در رابطه با مسئله ملح و پایان دادن به جنگ نینها مومنی درست و انقلابی اتخاذ نمود و از مدت‌ها پیش اعلام نموده است که بگانه راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ و دست یابی به یک ملح دمکراتیک، تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی انقلابی است. این بدان معناست که دست‌های سلب ملح دمکراتیک یعنی ملحی که منسج منافع توده‌های مردم ساندتینها با قسام و انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی مسمی است. سازمان ما همانند تمام سازمان کمونیستی سراز جهان پیوسته جنگ میان ملتینها را بمسوان عملی چنانکه رانه محکوم کرده و برای یک ملح جاودانه پیکار میکند. اما ما همیشه به طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش ایران تومسج داده و مدهیم که باید با مسئله جنگ و ملح برخسوردی طفقاشی داشت. جنگ زایشده نظام طبقاتی است. برای برانداختن جنگ باید نظام سرمایه‌داری را برانداخت. مادام که بورژوازی قدرت را در دست داشته باشد. جنگ نیز وجود خواهد داشت و توده‌های زحمتکش نمیتوانند بیک ملح جاودانه دست یابند. موضع سازمان ما مسمی بر اینست که برای دست‌یابی بیک ملح دمکراتیک جنگ کشونی راه جنگ داخلی تبدیل نمود. پس اربیش صحت و حقانیت خود را به عموم توده‌های مردم ایران نشان مدهم. توده‌های مردم ایران بش از بیسشی درمی یابند که راه دیگری جز قسام ملحانه برای پایان بخشیدن به جنگ در سرازتینها قرار ندارد. بی جهت نیست که سازمانهای فرصت‌طلبی امثال "راه‌کارگر" که همسین چند ماه پیش خصمانه شمار تبدیل سلب جنگ به جنگ داخلی یعنی قیام و انقلاب

را مورد حمله قرار میداد. امروز تا گزیر شده است برای اینکه ارفاقه عقب نماند. این شمار را سدرود. خط مسمی صحیح راه خود را میکشاند و صحت و حقانیت خود را در عمل به اثبات میرساند. راه پایان داده به جنگ ارتجاعی تبدیل آن به جنگ داخلی است. این حقیقت امروز دیگر در برابر توده‌های مردم فرا گرفته است.

### تحولات درونی هیئت حاکمه

#### بیرحله جدیدی وارد میشود

در مصیبت مساعدی قرار ندارد. در درون دستتاه روحانیت بخش بالنسبه محدودی از این جناح حمایت میکنند و برخی از روحانسون نظیر منتظری نیز که تا پیش بیشتری به این جناح دارند. موضعی قاطع بنفع این جناح اتخاذ نکرده‌اند. در مجموع هر چند این جناح هنوز از موقعیت مستحکم در حاکمیت برخوردار است و ارگانهای اجرائی نیز عمدتاً تحت رهبری این جناح اند. اما این وجود موقعیت این جناح بدام در معرض حملات گسترده و روز افزونی جناح دیگر قرار گرفته است.

اکنون توازن میان این دو جناح بمرحله‌ای رسیده است که با اندک تغییر در اوضاع بر مبنای زمینه‌های فراهم شده، کاسه موسوی کنار گذاشته شود و جناح رنصب سانشکل بک کاسینه و در دست گرفتن ارگانهای اجرائی نقش قوی تری نسبت به گذشته را بدست آورد.

چنین بنظر میرسد که تعرض نظامی قریب السوقوع جمهوری اسلامی در جنبه‌های جنگ که هر دو جناح بر سر آن هم عقیده‌اند، تحولات درونی حاکمیت را اندکی بتا غیر انداخته است.

تعرض نظامی رژیم در جنبه‌های جنگ هر نتیجه‌ای را که در پی داشته باشد، این تحولات درونی هیئت حاکمه را تشریح خواهد کرد و کشمکش‌های جناحی درونی آنرا تشدید خواهد نمود.

### گرامی باد خاطر شهیدای ۵۵

- « سمد رهبری
- « علیرضا براقی
- « مهدی مسمی
- « ابوالفضل قزل‌ایاق

و معلم انقلابی سمد بهرنگی، و تمام جانباختگان راه‌های شسی، دمکراسی و سوسیالیسم گرامی بنماد.

بحران اقتصادی و ...

بسیوی شهرها را زیر منبوسد و بخش عظیمی از آنها در ارتش ذخیره صمسی متمرکز میگردد. این روندی است که در تمام کشورهای سرمایه داری طی میشود. در ایران نیز پس از رژیم ارضی شاه و تحولاتی که در پی آن بیونوع پیوست، روند خانه خرابی در افزایش دهقانان و بیبوستن آنها است. معروف کارگران شدت گرفت. هرچند در کشورهای نظیر ایران، سرمایه داری وابسته با قدرت جذب بخش قابل ملاحظه ای از این نیروی رها شده از زمین و روستاها میباید و علاوه بر این رونقده خانه خرابی دهقانانی که با رای مغالطه با موسسات و سرمایه های بزرگ رانندارند و ربربا رستارها و تصفقات متعدد از جمله نشانهای مالی بمرعت از پای در میآید و با هر بحران خانه خراب میشود، بیشتر است و بنابراین همیشه بخش بسیار عظیمی از دهقانان خانه خراب در ارتش سگساران متمرکز میگردد و در خانه شهرها در فتنه و فلاتک بر میبندد، با این وجود تا واسطه دهه پنجاه بخش قابل ملاحظه ای از این نیروی کار جذب بخشهای مختلف بسوزده بخش خدمات شد. اما با اوج گرفتگی بحران و مداوم آن تا سه امروز بخش بسیاری از این نیروی رانده شده از روستا در ارتش سگساران متمرکز شده اند. جمهوری اسلامی در نتیجه ساسنهای ارتجاعی خود و تشدید بحران شروحات و اوضاع انبساطی است، شرایط زندگی دهقانان روز بروز دشوارتر، روستاها خرابی در میان آنها بسزنده است. در دوران حکومت جمهوری اسلامی نهاد اکثریتی اردو دهقانان خانه خراب شده همراه سببه پروولترها و کارگران کشاورزی که در روستاها کار نمیکنند، روستاها بیرون رفته اند. اینان در مستهای مغرور و عصبی در خانه شهرهای سرگردانی میکنند. بر طبق آمار رسمی در حالیکه در سال ۱۳۵۶ از مجموع ۳۴/۵ میلیون جمعیت ایران ۵۲/۲ درصد کل جمعیت را جمعیت روستایی تشکیل میداد، در سال ۱۳۶۱ از مجموع ۲۵/۵ میلیون جمعیت ایران ۲۸/۹ درصد آنرا جمعیت روستایی تشکیل میداد. این برهم خوردن این ساخت جمعیت در مدتی با این کوبانی عمدتاً بسببه مهاجرت سبب آسای دهقانان خانه خراب و سببه پروولتراهی روستاها شهرهاست که آمده

بافس کاررواها شهرها شده اند. بدون برسد طی چهار سال پس از ۱۳۶۱ اس روند مهاجرت تشدید شده است. با سراسر روس میگردد که مجموعه ساسنهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بحران اقتصادی را در همه روستاها، از جمله در کشاورزی تشدید کرده است. اس تشدید بحران منحصر به تشدید خانه خرابی دهقانان و بیبوستن آنهاست. اردوی عظیم مغرور و عصبی و بیگاری در شهرها شده است. رژیم جمهوری اسلامی نه فاد از به حل بحران است و نه بهبود در زندگی زحمتکشان. مادام که رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار باشد، وضع دهقانان نیز همچون کارگران مدام و جسم بر میگردد، و شرایط زندگی آنها دشوارتر میشود. سبب دیگر جمهوری دمکراتیک که در آن قدرت ساسی در دست کارگران، دهقانان و عموم توده های راجمکن قرار دارد، مسوان بر حراشهای موجود مانش آید و در شرایط زندگی دهقانان نیز بهبود قابل ملاحظه ای پدید آورد. چرا که بدون انجام نکرشته اقدامات دمکراتیک و رفاهی، مسوان بهبودی در اوضاع ندید آورد. سبب دیگر دولتی دمکراتیک و انقلابی که کلیه اراضی کشور را ملی اعظم خواهد کرد و با سند نوری کلیه اراضی و املاک زمینداران سرک، آنها را در احسان دهقانان مشکل شده بر روستاها و اتحادیه های دهقانی قرار خواهد داد. دولتی که امکانات مالی لازم را با شرایط سهل و آسان در اختیار دهقانان قرار خواهد داد. سبب دیگر دهقانان که با لکن سرمایه داران، موسسات مالی و دولتی، روستا خواران را ملتی خواهد نمود، و ام بدون سبزه در احسان دهقانان قرار خواهد داد و آنها را با کمکی بکولوریک از فصل ماش آتیب، کود، بذر و غیره یاری خواهد نمود و کشت جمعی و بزرگ را بسبب صرفه جویی در کار روستاها محمولات و اسناد هرچه وسیع تر از روشهای علمی و فنی را تشویق و متداول سازد. تنها، حسن دولتی قادر است، بر حراشگران در کشاورزی فاش آید و کامیابی جدی در جهت بسود و مست دهقانان راجمکن سردارد. سبب دیگر از طریق اتحاد کارگران و دهقانان برای سرکوسی رژیم جمهوری اسلامی و اتحاد حکومت انقلابی - دمکراتیک کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان، انجام اقدامات ملی منع دهقانان سر خواهد نمود.

جنگ بزرگه جنس و تقنین کننده ای رسیده است

رد و بحران منطقه را تشدید خواهد نمود. با اس پیروزی مخالف است. در این میان موضع کشورهای سوسیالیستی و مترقی نیز علیه حرکتی پیروزی جمهوری اسلامی و حتی ادامه جنگ نیز روشن است. از اینرو هیچ عامل مساعد بین المللی به نفع رژیم جمهوری اسلامی وجود ندارد و هیچکس علیه آن است.

با سام این اوصاف رژیم جمهوری اسلامی که شش سال تمام به این جنگ ادامه داده، وجود را با یک بحران و عجم سیاسی روبرو میکند. چاره ای در مقابل خود نمیبیند مگر آنکه در جنگ پیروز شود و پیروزی نظامی از ایجاد بحران و عجمی که با آن روبروست بکاهد، با اینکه توام با ناسودی خود بخش کثیری از مردم ایران و عراق را نیز نابودی بکشانند. سبب سراسر این عجم اینست که از تمام مسائل ملی الذکر آگاه است و خوبی سندانیکه تعرض از طریق امواج انسانی با توجه با اینکه رژیم عراق از تمام امکانات و سلاحهای مخرب خود علیه این حمله استفاده خواهد کرد، محربه کشتار هولناکی خواهد شد که در شش سال گذشته سابقه نداشته است. با این وجود بسزای نجات خود را می برگزیده است، که جریمه فاجعه بزرگ برای مردم ایران و عراق نام دیگری بر آن نمسوان گذاشت. کارگران و زحمتکشان سراسر ایران تنها از طریق یک مسارزه همه جانبه برای سرکوسی جمهوری اسلامی است که میبایند جنواین فاجعه عظیم را بگیرند. توده های مردم ایران با بداین واقعیت رادریا بسدکه حتی فرض پیروزی جمهوری اسلامی درجه های جنگ نیز برای مردم ایران و عراق یک فاجعه محسوب میشود. نه فقط از این جهت که توام با یک کشتار عظیم است بلکه از آن مهمتر تسلط رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و بان انضمام ارتجاعی در منطقه، بگرشته جنگهای مداوم و فتنه هرچه بیشتر حکومت مذهبی حاکم بر ایران، بر توده های مردم ایران است. هیچ راه دیگری جز قسام مسلحانه برای سرکوسی جمهوری اسلامی در برابر توده های مردم ایران قرار ندارد.

پیشش بسوسی تشکیل حیزب طبیفه کارگر

حزب توده و "اکثریت"

در تلاش برای . . . .

خط می آنهاست به آنها امکان  
خواهد داد که بار دیگر توده های زحمتکش  
مردم ایران را فریبند و بدساله روس  
اربر رزازی بکشند. افشای خط منفر  
حزب توده و اکثریت بار دیگر به طبقه  
کارگر ایران سان داد که سوسالیم نوع  
حزب توده و "اکثریت" هیچگونه وجه  
تاسی سوسالیم علمی ندارد.  
سوسالیم علمی بر مازنه طبقاتی میان  
سوزوزازی و پرولناریا تا کدمیوزده واپس  
سارزه راسوری محرکه تاریخ میساند.  
در حالیکه سوسالیم قذافی توده ای وحد  
عوامل راجا یکزمین مازنه طبقاتی میکند  
واده سازش طبقاتی راجای ماسارزه  
طبقاتی تسلخ میکند. سوسالیم علمی  
بر استبدال طبقاتی اکید پرولناریا و  
متاسر نمودن مف وسایات مستقل ۲  
تا کدمیوزده. در حالیکه سوسالیم  
اسورسیسی حزب توده و "اکثریت  
طنه کارگر را به دشمنان روی زسوزوزان  
سوی میدهد. سوسالیم علمی بر نقش  
دوران ساز طبقه کارگر بعنوان یگان  
طبقاتی که رالت ساحتن سوسالیم  
راسر بیده دارد تا کدمیوزده. در حالیکه  
ساملخ سوسالیم "توده ای" این  
رالت راسر بیده خرده تولیدکنندگان  
حسن سوزوزازی ساملخ ملی و وطن پرست  
درا رسدهد. سوسالیم علمی بر انقلاب  
احسانی و دیکناتور پرولناریا بسا  
می سارده. در حالیکه سوسالیم نسو  
حزب توده سادفاع از ترزاه رشدفیه  
سرمایه داری و واگذاری نقش طبقه کارگر  
به خرده سوزوزازی عملا بین هر دوران نسو  
مکند. سوسالیم علمی پیروزی انقلاب  
دمکراسیک را در عمرکتونی تنها تحسنت  
هزمونی و رهبری طبقه کارگر ممکن میدانند  
اما سوسالیم نوع حزب توده ضرورت این  
رهبری و هزمونی را برای پیروزی انقلاب  
اسکار میکند. سوسالیم حزب توده و  
"اکثریت" نوعی سوسالیم سوزوزواشی است  
که سام مارکسم علیه مارکسم و  
سام شخه کارگر علیه طبقه کارگر مبارز  
مکند. اس ساملخ سوسالیم  
سوسالیمی ارتجاعی است که هیچ وجه  
تاسی سوسالیم علمی. مارکسی.  
انگلس ولسن ندارد.

وگوسده اند خود را مخالف رژیم نشان دهند.  
سایس وجود سانه ماهت اپورتونوسیتان  
همه بشناری است سر خود خراب بکرده و حضور  
گره حسی به خاکبست موجود دارند.  
"اکثریت" در کارش خود. هسات جاکمه  
را مرکز از صاحبها و گروههای وابسته نه  
اندر محنتی بدانند که در میان آنها  
سایندگان سوزوزازی کوچک و متوسط نیز  
که در سطح این سازمان در مره نیروهای  
طنی محسوب مسود. جمود دارند. "اکثریت"  
مکتوب: "این رژیم هنوز یکدست نیست  
و غیرم وحدت همه جناحهای آن در دفاع  
از سامع روحانیت سنامه یک قشور  
احسانی. به لحاظ واستکی طیفهای  
مختلف روحانسون به لایه های مختلف  
اجتماعی همچنان کراسات متفاوتی را  
حمل میکند. کراسات وابسته  
سوزوزازی سرت. متوسط و کوچک و سرت  
مالکان در حکومت جمود دارند." ( تا کدم  
ارمات )

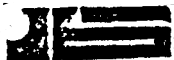
ارتاحاشکه حزب توده و "اکثریت"  
سوزوزاری متوسط و کوچک را در زسوز  
سروهای طنی میسانند و جواهان نسکل  
یک جنبه طنی نا آنها هستند. این کشار  
"اکثریت" تدیس میساند که اجسجال  
قدرت کرفس سوزوزاری متوسط و کوچک را  
که در خاکبست جمود دارند ساید ار سطر دور  
داند. برای اسای کافی است که جمهوری  
اسنی در باره اندکی به حزب توده و  
"اکثریت" زوی حوسن ساند دهدنا در سراسر  
چشمان صبرت زده همچنان تبدیل به رژیم  
انتقالی و مترقی گردد. و این تمسب آور  
نست. "اکثریت" تحسیل خود را بکوسه ای  
تنظیم نموده است که با نسکوی هر وسیمی  
ساید. اگر گروهی از سوزوزازی اپوریسون  
قدرت را بدست بگیرد، جایگاهی برای خود  
دست و پا کرده ساید و اگر قرار شد دوباره به  
خدمت جمهوری اسلامی در آید، سازهم سوحیپی  
داند ساند.

سرای اپورتونسم تفاوتی نمیکنند،  
وظیفه کی است و آن خدمت به سوزوزازی  
است. جواه ریم جمهوری اسنی ساند.  
ویاتی المنصل جمهوری دمکراسک اسنی  
سوزای ملی سواند.  
اما سحرانی که استک حزب توده و  
"اکثریت" با آن روسرو هستند و سام چسز  
دمکری جرورکسکی، افشای وبی اساماری

اودر نسکاسملز و امزاسر ح مردم از  
همه نسکس تر است. سهاک علیرا سول  
دیگر کرد و آن بست کردن حسی و رژیم اوسه  
حزب توده و "اکثریت" است. واز حسی  
امروز همان است که ۸ سال پیش مسود.  
مواقع و خط می امروز همان مواسع  
گذنه اس و درسی مداسنلی اوسح  
نسوری صورت نگرفته است. "اکثریت" در  
این سانسر نشی میکند که به حسی و  
دستگاه روحانست او میل از سال ۶۰ نفی  
اسنلی و مترقی شده. در حالیکه سرحانی  
این دستگاه اپورتونوسی، دستگاه  
روحانست سنوان یک دستگاه مریب و حسی  
در همه حال وظیفه ای مداسنلی و ارتجاعی  
بر عبیده دارد. حسی و سکر روحانسون نسز  
از همان آغاز سالی جز سحر و سحس  
جنبش توده های مردم و نسکس انقلاب سر  
عبیده نداشتند. کسی که جز این مسند  
ساید. به مردم دروغ میگوید و به آنها  
خیانت میکند. درست همان کاری که  
"اکثریت" میکند. تردیدی نست که  
سوده های مردم ایران باح حسابات  
حسی رژیم او را خواهد داد و مجارات  
سنی در مورد این ساسکاران و سسکاران  
سورده احوال میگذاند. اما "اکثریت"  
نفس داشته باشد که جرم کسالی کسه  
اگاهانه به توده های مردم دروغ کند.  
آنها را فریب دادند و به جاسداری از  
حسی فرا خواندند، کسالی که بر ساسهای  
ارتجاعی و مداسنلی جمهوری اسنی مهر  
نانشد زده، خود را پیرو "خط اسام"  
نماید و در سزگوب توده های مردم ایران  
و سارمانهای انتقالی فعالانه سار رژیم  
همکاری کردند. کسار حسی نست. از  
این جنب توده های مردم ایران با همچنان  
خنم و سعرت و از چاری به حسی سگاه  
میکنند که به حزب توده و "اکثریت".  
سنا برای اگر اپورتونوسیتها امروزه که  
دستشان از همه جا کوتاه شده است، مدها  
سار به حسابات حسی اشاره کنند و او را  
محرم اصلی در نسکس انقلاب معرفی نمایند  
سارهم در سر خورد و موقع توده های مردم  
نسبت به آنها تفسیری صورت نخواهد  
گرفت. توده های مردم ایران سوسیمی  
در یافته اند که حزب توده و "اکثریت" جر  
سیمی با خلق کاری نداشتند و ندارند. و  
سهاکمه میگویند خود را دوست خلق معرفی  
کند. چون یک گرد در پوست مساند که  
عدمتان مره زدن از درون به توده های  
مردم ایران است.

اما حزب توده و "اکثریت" علم نسو  
سام تشنه ای عوام فریب سادی که برای  
سوجه سات خاشانه خود کار گرفته اند.





### حزب توده و "اکثریت"

در تلاش برای . . . .

و گروههای تروریست حزب الله نیز سر جای خود هستند. پس می بینیم که ماهیت رژیم سیاستهای آن قبل از سال ۶۰ که اکثریت از رژیم دفاع میکرد پس از سال ۶۰ تغییر نگرد و سیاستهای رژیم در سالهای پس از ۶۰ ادامه همان سیاستهای رژیم در سالهای قبل از ۶۰ است. این مسائل که اکنون بر همگان روشن شده است، از همان آغاز بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی یکی از نکات مورد اختلاف "اقلیت" با "اکثریت" را که البته در آن ایام هنوز در منجلیاب اپورتونیزم وارد شده و جنبه کنونی اش فرو رفته بود، تشکیل میدهد. همگان باید یاد دارند که از همان مقطع پلنوم وسیع مهرماه ۵۸ که "اکثریت" امروز در گزارش خود از آن بعنوان پیروزی تازه ای علیه "کتارسیم" یاد میکنند مدعی میشوند که سازمان پیش از آن دچار چپ روی شده بود و "معمولات نخستین پلنوم وسیع سازمان در مهرماه ۵۸ پیروزی تازه ای علیه کتارسیم بود" یکی از عرصه های مهم مبارزه "اقلیت" علیه جناح راست موسوم به "اکثریت" بر سر مسئله ماهیت حاکمیت بود. "اقلیت" به تبیین ارجحیت مبنای انقلابی و لئنیستی خود از ریباسی درست و واقعی ارما هیت ضد انقلابی و ارتجاعی جمهوری اسلامی ارائه میداد و خواستار یک مبارزه فعال علیه رژیم و سازماندهی و تدارک نیرو برای سرنگونی آن بسود. "اکثریت" ناگزیر است که برای سرپوشی گذاردن بر سیاستهای اپورتونیستی و مشی خائنه خود، باز هم رژیم جمهوری اسلامی را در سالهای قبل از ۶۰ انقلابی و مترقی معرفی کند و پیروزی خود را در پلنوم مهر ماه ۵۸ جشن بگیرد. اما این حقیقت دیگر بر توده های مردم ایران روشن نشده است که پلنوم ۵۸ گرایش بژاقت را که "اکثریت" تجسم آن بود تقویت کرد که سپس با فرو رفتن روز افزون به منجلیاب اپورتونیزم و ارتداد و پذیرش تام و تمام خط مشی حزب توده نه تنها به تائید همه جانبه رژیم و سیاستهای آن پرداخت بلکه تا بدانجا پیش رفت که هنگام بار رژیم در سرکوب انقلابیون شرکت جست و در شائشی و معرفی انقلابیون به رژیم و سپردن آنها بدست دژخیمان هیچ کوتاهی نکرد. "اکثریت" تلاش میکند که کارنامه سپاه و ننگین خود را به سالهای

سیاسی ضد انقلابی را در پیش گرفت و تعرض به دست آورده های انقلابی توده های مردم را آغاز نمود. بنابراین پس از بقصدت رسیدن فرمان خلق سلاح توده ها را مامور کرد. سازمانی ارگانهای سرکوب و شکنجری رژیم شاه را که رهبر ضربات قیام از هم پاشیده بودند آغاز نمود و ارگانهای سرکوب نویسی را نیز در جنب آنها سازمان داد. نیروهای مسلح خود را برای سرکوب خلفهای تحت ستم کرد، ترکمن، بوغسرب کسبل داشت. خواستهای کارگران و دهقانان را با گلوله پاسخ داد، بورژوازی سازمانهای سیاسی را سازمان داد، به راهبها شنها و گردنهای شنها سازمانهای سیاسی حمله کرد، انتشار نشریات را ممنوع نمود و غلامه کلام دست آورده های انقلاب را یکی پس از دیگری باز پس گرفت. اگر رژیم در سالهای قبل از ۶۰ علیه رژیم اقدامات سرکوبگرانه و ضد انقلابی نمود بدلت توان توانی موجود و شور و شوق انقلابی توده ها را در نبود دست سبک تعرض وسیع همه جانبه و گسترده علیه انقلاب بزنند و به گنگنا توری برسان و آشکاری را سر فرار سازد دوره ای در ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی اش تنبیری نمیدهد. در حقیقت رژیم که طی دو سال اول بحسب توازن قوای انقلاب و مدافع انقلاب از شیوه های سرکوب و تخمین ویا تواما از هر دو شیوه استفاده میکرد، خود را برای تعرض همه جانبه به انقلاب آماده نمینمود. طی این دو سال نیروهای مسلح و سرکوب خود را تجدید سازمان نمود و مترصد لحظه مناسب برای این تعرض همه جانبه بود. در سال ۶۰ این تعرض نهایی خود را به انقلاب سازمان داد و بجای سیاست سریب و سرکوب به سرکوب همه جانبه روی آورد. تنها تنبیری هم که در آن سال در حاکمیت صورت گرفت سنا رزده شدن لئیرالهای تحت رهبری بنی مدارا حاکمیت بود که در ماهیت ضد انقلابی این دارو دسته نیز کمترین شنبه های وجود ندارد. جناحهای ک امروز در حکومت مسلط اند همانهایی هستند که قبل از سال ۶۰ نیز در حاکمیت نقش مسلط را داشته و همین مدافع جناح بورژوازی و ملاکین هستند. روحانیت مرتجع همان روحانیت است. همین همان خمینی قتل از سال ۶۰ است که "اکثریت" از درگاه "خداوند منال" برایش بیهود و سلامتی و طول عمر آرزو میکرد. سپاه پاسداران همان همان پاسداران است که "اکثریت" خواستار مسلح شدن اش به سلاح سنگین برای سرکوب توده ها بود. کمیته ها، انجمن های اسلامی

۶۰ و ۶۱ محدود کند و خباثنهای خود را در سالهای قبل از ۶۰ عبوشده ندارد. اما هر آنست که سرانکار نامه سیاسی "اکثریت" از همان نخستین روز شکل گیری اش معلوم و خیانت و فریب زدن به جنبش طبقه کارگر و انقلاب ایران است.

"اکثریت" اکنون که مورد بی مهری رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و تمامی سیاستهایش فاش و بر ملا شده است، بهیچ جنگ و سرکوب، زندان و اعدام و بی حقوقی مردم در جمهوری اسلامی افتاده و ادامه میدهد که: "جمهوری اسلامی مدافع منافع سرمایه داران بزرگ و سوبزه تجار و بوسزگ مالکان است و خط مشی رژیم در دفاع از سرمایه داری و در ادامه فاجعه بار جنگ همراه با احمای عقب مانده ترین اشکال استثمار و ستم طبقه فاش از یک طرف و کشور را به جادترین بحران اقتصادی، دچار ناخوشی و از طرف دیگر سنگین ترین فشارهای اجتماعی و فقر و فلاکت را نصیب زحمتکشان کشور ساخته است." البته جمهوری اسلامی مدافع جناح سرمایه داران است و کشور را به "جادترین بحران اقتصادی دچار ساخته" و با ادامه جنگ مدام بر این اساس سیاستهای ارتجاعی اش افزوده است، واقعیتی است که حتی "اکثریت" نیز امروزه قادر به کتمان آن نیست. اما همین "اکثریت" فراموش میکند که خود جاریبی حکومت در دفاع از این جنگ ارتجاعی نبود. جنگ را انقلابی، مترقی و مبنی نامید، از توده های مردم خواست که به جنبه های جنگ بروند و به کارگران رهنمود داد که بیشتر تولید کنند و کمتر مزد بگیرند. توده های مردم ایران هیچ گاه این سیاستهای خائنه حزب توده و "اکثریت" را فراموش نمیکنند و این سازمانها قطعاً نمیتوانند با تغییر موضع خود در میان مردم پایگاهی بدست آورند. سرانجام در گزارش "اکثریت" به ادامه نامه او علیه خمینی و روحانیون طرفدار او بر میخوریم. همه باید یاد دارند که "اکثریت" خود را پیروسی چون و چرا ی خمینی و روحانیون طرفدار او میداند است. اما همین "اکثریت" امروزه مینویسد: "دروهله اول باید به نقش ارتجاعی روحانیون حاکم و سوبزه شخص خمینی در مجموعه آنان اشاره کرد." "جرم او در شکست انقلاب و افزایش رنج و محنت زحمتکشان ایران از همه سنگین تر و بالاتر است." حال پرسیدن است که چه شخصیتی مورد ستایش "اکثریت" بیکاره در موقعیتی قرار میگیرد که جرم در صفحه ۱۲



## ۲- جمهوری اسلامی و اجلاس سوان "جنبش عدم تعهد"

اجلاس سوان "جنبش عدم تعهد" در حوازه با وجود تبلیغاتی که رژیم بیژان برای یک شکست کامل و البته قابل پیش بینی بود. اما خائنه‌ای بی‌اثر از مراجعت از حوازه خائنه معمول در زمان جمعه تهران، بیروزی خای چنین رژیم را در این اجلاس به آماج ضرب الله گزارش داد. در این گزارش، خائنه‌ای از اوج محبت کرد، اما خائنه‌ای از جمهوری اسلامی را بر ملا نمود. خائنه‌ای از فوسها سخن گفت اما نصف را با پشترا آشکار کرد. وی از موفقیت هاشم گفت این شکست را به بهترین نحوی ترسیم کرد. گزارش خائنه‌ای در مورد دستاورد های جمهوری اسلامی از شرکت در اجلاس "فیسز متهمها" فقط دروغ پردازیهای رژیم را نزد مردم، بیش از پیش افشا نکرد. بلکه همچنین نشان داد که حمایت سلسلرانی حکومت بر کدامین مسائل استوار است: پذیرش سراسری انقلاب، گسترش پاناسلامیسم و تثبیت حکومت آن مائلی است که جمهوری اسلامی در پی آن است.

براین مناسبت که خائنه‌ای در گزارش زکنفراشی حوازه اعلام نمود که موقعت جمهوری اسلامی در داخل و خارج تثبیت گشته است. بیروزی در جنگ حتمی است زمنه های پذیرش انقلاب اسلامی در جهان فراهم است و اکنون قدرتهای بزرگ و دولت های شرکت کننده در اجلاس "فیسز متهمها" به ایست و اهمیت و نفوذ و حقانیت رژیم جمهوری اسلامی واقف گشته اند. خائنه‌ای آرزوهای خود را بیان کرد هر چند که جریان کار اجلاس و نتایج آن در نقطه مقابل این آرزوها قشورار داشت.

خائنه‌ای در گزارش گفت که لایحه‌ای تمیذاتند که این جنگ مسئله اش چیست. خیال میکنند دو کشور همسایه برای خاطر یک رودخانه، برای خاطر چند شبهه، بسیاری خاطر تعصبات محلی به جان هم افتادند. ما توفیق پیدا کردیم ما هیت جنگ را به طور کامل شرح کنیم. "خائنه‌ای سپس مدعی گردید که سران کشورها به ما هیت جنگ پی شدند و حق جمهوری اسلامی می بینند که سحاورا تشبیه کند. ما آنچه گفته در اجلاس گذشت نشانگر سخنان مستأملان خائنه است. برعکس آنچه که خائنه‌ای در صفحه ۱۶

سوان سندی روبرو است. رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم سران زاست. چه در عرصه داخلی چه در عرصه خارجی. امیرالیهتها هر چند از این بحران زاشی حکومت در منطقه استفاده کرده و موفقیت خود را تحکیم بحسده اند، اما این وجود جنبش رژیم سران زاشی نمیتواند برای آنها بطوری ستمناک و ایل انکاء و اعتماد باشد. آتاری رژیم که در عرصه داخلی مرتسبا سر بحران شده و خود به عاملی تبدیل گردیده که از تثبیت رژیم جلوگیری نماید. همین آتاری که گذشته از ما هیت رژیم، طلب برآیند نیروهای منافذ درون هیت حاکمه سر میباید. در عرصه خارجی نیز سارتاب داشته است. سیاستهای متضاد رژیم در منطقه و بحران زاشی آن نمیتواند مورد نا شناسا ستی دراز مدت امیرالیهتها بویژه امیرالیهسم آمریکا در منطقه باشد.

تا آنجا که سیاستهای پاناسلامی رژیم، در جهت سرکوب جنبش های انقلابی و کمونیستها عمل میکند. تا آنجا که به تحکم مواج امیرالیهسم در منطقه یاری سرساند و تا آنجا که سب گسترش سبازار طلحه در منطقه و رونق کار انحصارات طلحه سازی میشود. قدرتهای امیرالیهتی از مواج جمهوری اسلامی، آشکار و پنهان، حمایت میکنند. اما سیاستهای بحران زای جمهوری اسلامی در منطقه و تهدید کشورهای هم پیمان امیرالیهتها، نمیتواند مورد تا بد امیرالیهتها قرار بگیرد. مسئله درتهای امیرالیهتی زمانی نقس زاندارمی رژیم را مورد تا شد قرار میدهند که با رژیم با شسات روبرو باشند. جمهوری اسلامی از چنین متخمه هائی برخوردار نیست.

رژیم میخواهد تا شد نقس زاندارمی اش از سوی امیرالیهتها را به یاری جهت تثبیت قدرت در داخل کشور مدد سازد. و امیرالیهتها زمانی میتوانند این نقش صه بگذارند و آنرا تا شد نمایند که رژیم توانسته باشد خود را تثبیت کند. اما شرایط تثبیت در داخل نه تنها فراهم نیست، بلکه با تشدید بحران اقتصادی - سیاسی که در دو ماهه اخیر سرحدت و شدت آن سخوسی با خدای افزود گشته است، شرایط را برای رژیم جمهوری اسلامی هرچه وخیم تر خواهد ساخت

\*\*\*

## یادداشت های سیاسی

رژیم مدام سخواس را ندارم مسئله باشد. او فکر میکرد که بر سران اسس بیروزی را بدست ساره های ناه و در خلج تارس مسگره، بعد از جای خودی راهم در کشورهای عربی حط مسکه، زاندارم منطقه سینه، این چنین فکری را دانست. بدین ترتیب رفسحاسی سینه آشکارترین شکلی رابطه جنگ و کسب زاندارمی سینه را مطرح سبازد. رفسحاسی مسگره که مدام سخواس خای ساه را در منطقه مسگره، و در حین رژیم جمهوری اسلامی تلاش مسود که به قدرتهای امیرالیهتی سبها ندکه خود میتواند نقش شاه را منتهی در پوتش اسلامی سبهد بگرد و بیوانانی آزادارد. نمایش قدرت در خلج فارس، با زپی کشتی ها، تهدید کشورهای حوزه خلج فارس و کسب بیروزیهای نظامی در جبهه جنگ سب عراق، سبایست آن دلائلی باشد که سب قدرتهای امیرالیهتی اش سب سب که جمهوری اسلامی حفاست امرا دارد که نقش زاندارمی منطقه را سبهد مسگرد و در عین حال تا شد این نقش و نفوذ را سوی امیرالیهتها به اهرمی جهت تثبیت در داخل بکار گرفته شود.

بر همین مناسبت که رفسحاسی اعلام میکند: "دنا که آن اسکار جتاسی که طرف ما ست، لان اعراف میکند، سب شمیرات خودتون هست که ایران ابر قدرت منطقه است. فهمیدن که اون خوابی که اونها میدیدن اون موقع که در ایران در زمان شاه با ایلحه و با زور امکانات فنی قدرت ابروا، روح هم بر منعه بخنسد، ارتش نیرو مند تر در منطقه داشته باشد... (حال دنا قبول کرد که ما قوی تریم نیروی منطقه هستیم". رفسحاسی سب ربا سب زاندارمی سب با ایلحه و با زور امکانات فنی قرار بود که ایران قدرت حاکم بر منطقه باشد، اکنون ما غلا نشان داده ایم که بیترس نیروی منطقه هستیم. رفسحاسی خواهد که قدرتهای اسکاری به این مسئله معترف شوند و حق و حقوق این قوی ترین نیروی منطقه را بر سمیت بشناسند. اما همانگونه که رژیم در عرصه داخلی، در مورد تثبیت قدرت خود، سب مشکلات و مواج اساسی روبرو است، برای تبدیل شدن به زاندارم منطقه و پذیرش این نقش از سوی امیرالیهتها سب سب



یادداشت‌های سیاسی

اطهار داد است، اکثریت مردم با شای ایران  
کورها، ارجله کوبا، هدا و الحراسر از  
جمهوری اسلامی خواستند که حرکت باسان  
بخند، در پایان کار کنفرانس ترکمسیون  
سای اجلاس "غیرمنهید" ها هم باسان  
بخشدن به جنگی را که حامی مدعی  
است که توانسته است ماهت آسرا، در  
اجلاس بیگانه، خواستار گردید.

سای وجود خامه‌ای در کنفرانس  
سرا مون اجلاس "غیرمنهید" ها عمران نمود  
که "یکی از موفقت‌های ما سان دادن چهر  
سن المللی جمهوری اسلامی بحران بک  
نظام مستقر، با برجاه، شست شده و زنده و  
برنشاط بود." این تمامی آن منحصه‌ها شتی  
است که جمهوری اسلامی در سطح بین المللی  
دارا نیست و در کنفرانس حواره نیز خود را  
نشان داد، بهمین دلیل است که بهر روزی در  
جبهه‌های جنگ میبایست بحران این چهره  
بین المللی جمهوری اسلامی را نشان داد.  
سرای اساس است که خامه‌ای گفت :  
"وسی که خرم موفقت‌های رزمندگان  
کرلی ۲ و کرلی ۳ رسد آنجا، بک  
رئزبه‌ای در سن اس جمع سر خود آوردیک  
و فارا و است خامی به شنت ما داد که کاملا  
مشهود و محسوس بود."

در موفقت رژیم، ما مادی نمودن  
رمانی عملیات کرلی ۲ و ۳ ما کنا پیش  
اجلاس "جنش عدم تمهد"، بحریا است  
عمومی جنگی اش، هدف دیگری را برسد سال  
میگردد: به نمایش گذاردن قدرت نظامی  
جمهوری اسلامی برای کسب استازات  
سای. این سیاست رژیم در عرصه خارجی  
دستقا با رتاپ و ادامه ساسی است که  
در داخل دنبال کرده است. رژیم در داخل  
با اتکا به سرسبز شتی نموده است که  
انند را همه کند و خود را شنت نماید، در  
عرصه خارجی بمر عس ساست را  
پینه کرده و جراس سرسوز است بکند.  
گسترش بان اسلامم و شندل شدن سکه  
سورگرس قدرت منقله، جزا ز طریق جنگ،  
جزا ز طریق ادامه جنگ ایران و عراق و سا  
برپاشی هر جنگی دیگر مشواست مسر  
باند جمهوری اسلامی با اتحاد ساسی  
سیاست، بویژه در بر حله کوسن حک قصد  
آزاد ار دگه نار و نوب و ساک و اسواج  
شروی انسانی، موجودت خود را نه باشد  
امبربال استها و کشورهای منقله بریاند.

از اینرو آغاز عملیات کرلی ۲ و ۳  
سرای نشان دادن در سطح ملی جمهوری

اسلامی، رمایی که سوجه سرتکرار سها س  
اجنس سران "عدم تمهد" جنبه بود و سکی  
ار موارد بحث اکثران مربوط به حک ایران  
و عراق بود، دستقا در خدمت اسستاد  
شلتانی رژیم در عرصه ساس المللی سرار  
داشت.

اما همانگونه که انگا، سرسره در  
داخل سب سرده تر شن نمود بوده سهای  
مردم در جبهه رویاروشی با حکومت اسلامی  
گشته است، در عرصه خارجی نیز سیاست جنگ  
طلسانه و سکی به نوب و تانک رژیم  
سبب انزوی هر چه سسر جمهوری اسلامی  
در عرصه بین المللی گشته است، در عرصه  
بین المللی همزبانی و هما شتی و سیمی  
سن دولتهای مختلف در محالمت با ادا به  
جنگ ایران و عراق اسجاد شده است. رژیم  
جمهوری اسلامی با آگاهی از این مخالفت  
گسترده جهاسی نسبت به ادامه جنگ، ار  
چندین ماه قبل از سرتکرار کنفرانس "عدم  
تمهد"، فعالیت دیپلماتیک وسیعی را  
بمنظور حذف مسئله جنگ ایران و عراق از  
دستور کار کنفرانس آغاز نمود. رژیم در  
هن حال فعدا است با پشوا نه بهر روز سهای  
نظامی در با و وسهران، کشور های هر چه  
بیشتری را بسبب ساسهای خود جلب کرده و  
با حداقل آسها را س طرف ساند. در عمل،  
اما، شسحه اس سیاست دیپلماتیک ریسر  
شکی سیاست جنگ طلسانه رژیم سیری  
در حد مفر از کار در آمده.

عملیات کرلی ۲ و ۳ ساس اس  
نتیجه را بحران سکرد. همانگونه که در  
داخل نار فاسی سسور و گسترده تر نموده‌ها،  
با اتکا، بیشتر سرسره با ملاحظ سسران  
کرده‌ها است، با سراه جس عملیاتی  
بود که خامه‌ای در اخن حواره گفت :  
"شابه تکلیف اسلامی وطنی خود و سیر سنا  
به اصول اوله "جنش عدم تمهد" جمهوری  
اسلامی موظف است رژیم جنگ امروز عراق  
راه محازات برساند و راه حل سهای  
سسنهادی محامع بین المللی و کشور های  
شسند به سرترازی طح فافد سوجه و  
شاست رژیم به سسر عدالت بوده است."  
ابا عملیات کرلی ۲ و ۳ و اطهر سار ات  
خامه‌ای سسواس "عنایت" سسوری  
را برای جمهوری اسلامی سب کرده.

اخن "عدم تمهد" نشان داد که جمهوری  
اسلامی در عرصه بین المللی سس از پیش  
نه ابروا گنده شده است و ساس سسهای  
دیپلماتیک چند ماهه و اهدا، گفت اردان  
سند سسر شوست کار ما را با ندویا سسر  
ساست سوجه طلسانه رژیم پوشی هر چه  
سارک سسرانند، سحرانی سران حکومتها

در اخن و شسما به کمسیون ساسی  
اجلاس سسر سسدها دال سرنکس کاملا  
رژیم در اس اخلاص بود.

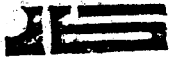
۳- چرا سران حکومت به گرانی  
و کمبود کالا اعتراف میکنند؟

گرانی و کمبود کالاها مورد سساز  
نوده‌ها آسان سرفابل اسکار گشته است  
که حسی سران حکومت هم سسواننده آن  
اعتراف میکنند. اما اعتراف سران جمهوری  
اسلامی به گرانی و کمبود کالا شتی سسر  
تعصب و هدف است: اول اینکه گرانی  
و کمبود کالا به چنان درجه‌ای ار حدت و شدت  
خود رسده است که هسات حاکمه را با لاجسار  
به سوجه گیری و دلیل تراش برای شنتلانی  
گشاده که سسوان سگوشتن گذاشت.  
بدین لحاظ سران حکومت با سسسان  
گوشه‌های ار سکلات مردم ربا کاران سسه  
سخواهند جس الفاء کنند که به سسولات  
توجه دارند و لذا برای حل آن خواهند  
کوسید، شنتی سسوده که فقط در مانده سس  
داس رژیم را سسر سولا سکنند، و دوم اس  
که ساجهای اصلی هسنت حاکمه، هرک با  
توجه به بحران موجود، سسگوشند که سساج  
ر سب را عامل اصلی بحران، گرانی و کمبود  
کالا، سمرنی کرده‌ها و این سعلات را به اهمی  
درجهت شست موفقت خود و تنها پنا حذف  
سساج دسکار حکومت سبدیل کنند. اسس  
عرصه نزاع جناحها و افشا گریهای دو طرفه  
آنها، اما، خود رسنه ای کرده‌ها است  
که توده‌ها را شنت به عامل اصلی شسما  
بد سسنا و فقر و فلاکتشان که نظام  
سراه‌داری رژیم جمهوری اسلامی است  
سشتر واقف گرداند، و در عین حال اسس  
عرصه نزاع، شکاف ما بین جناحها را افزایی  
دهد.

اعتراف سران حکومتی بنیرا مون گرانی  
و کمبود کالا که در هدف سق را دنبال سکنند  
اما سگ هذنان گوئی سسره سبدیل شده  
است. سسنان سران حکومت در هسنت دولت  
ارجله سسنان سحت و ریسر، و سسرا رگانی  
و امام حمه‌ها را اس حمله‌اند.

جعفری و سسرا رگانی سس از سسنان  
به کمبود کالا و سباب شدن ناگهان سسی  
کازها، اس مسئله را به سسنا به ریسری  
منسب سکنند، اما به سسنا سسری داخلی  
جعفری سسورده که اسگال ما در بر سها سسری  
داخلی سست سسکه در خدمت در سسجهانی  
ساید سسما سسری گرداند در ایران دسجار  
مشکل کمبود کالا نکردیم، چرا که سسائل





### یادداشت‌های سیاسی

سایر اعتبارات و سایر پدیده‌ها در نبردهای دستگیره عامل کمبود کالاهای اساسی است. سازمان "سازمان" سعی از توانش که در طول خدمتگزاران ایمن است در وزارت بازرگانی، اعتماد به نوعی راه در برنامه ریزی ما می‌دهد، حاله اعتبارات جبرئیلی بود که هیچ به نوعی برنامه ریزی های ما پس از این امر هم خدمتگزاران اتفاق افتاد و خارج از برنامه ریزی است. "امضا" نشان کوشش جعفری در توجیه کمبود کالاهای اساسی تا غایتی نمی‌تواند داده می‌دهد که البته از این بعد در برنامه ریزی جاسان این نوع و سایر هم خواهد شد. از این روزی که همه جبرئیلی‌ها می‌توانند و سایرین دست دهد، کمبود کالاهای اساسی

به خودی ارمنستان اعتبار جبرئیلی است. حال سازمان رزیم هم دست کمی از وزارت بازرگانی ندارند. وقتی که ما هم جمع این‌ها می‌گویند "کمبودی نیست، دلیل اینکه می‌گوئیم کمبودی نیست، کافی است مثلا شما یک میلیون تومان بردارید و به بازار بیرونی بفرستید می‌توانید به قسمت آزاد بازرگانی بفروشید و چون خرابی کشنده تا اگر چه بطور ضمنی مثلا خواسته است همگرا و وگرا فروشان را کوشش می‌دهد اما در ضمن حال توجیه آن را از کمبود کالاهای اساسی می‌ماند، استوار می‌کنند.

همگرا و وگرا فروشان مجهول و ناشناخته‌اند به گران رزیم و نخست وزیر نیز در همین زمینه می‌گویند: "دولت بخوبی معتقدترین وگرا فروشان را می‌شناسد" البته مردم به مال است که این‌ها را از نخست وزیر شنیده‌اند و میدانند که تا چه حد جدی است.

است. تمامی این نشان هدیان آمیز، یک چیز را برای بوده‌ها هر چه بیشتر آشکار کرده است: رزیم جمهوری اسلامی که حافظ نظام سرمایه‌داری است خود را مسلط بر تمام معادلات و دست‌خاسته‌هاست. هر یک از جاسان می‌توانند که علت بران و کمبود کوشش را به جناح رفیق منسوب سازند. جناح بازرگانی که عامل کوشش و کمبود دولت است و اگر رشته کار در دست آن باشد، او را مع سرفروش خواهد بود. جناح دولت می‌تواند که عامل کوشش و کمبود می‌تواند که مع سرفروش می‌تواند و اگر استوار از هر مایه اقتصادی و سیاسی کننده شوند، سیاسی مشکلات بر طرف خواهد شد.

اما نوده‌ها در بیافته اند که این هر دو جناح برای منافع خودشان هم افتاده‌اند و مسائل چون کوشش و کمبود کالاهای اساسی هستند برای ارمنستان بدر کردن جناح دیگر.

### گروهی یاد داختره شهدای

- جمهوری اسلامی ابائی نداشتند  
 یادگان را گروهی مدارسی و  
 آرمانشان را پس می‌گرفتیم.  
 شهدای مردان ما سازمان:
- زین العابدین رضی
  - غلامرضا سائزاد
  - حسن البیاری
  - محمد رسول میرزبان
  - محمد صفاری آشتیانی
  - عباس چشندی رودباری
  - داریوش شافعیان
  - عباسعلی شریفیان
  - قدرت‌الله شاهین سخن
  - مراد صاسی
  - محمد اکرم عبدالله پور
  - فرامرز شریفی
  - فرخ سنبری
  - مهدی مصیبت‌گلام
  - مهدی بوسنی
  - حسن کهنل
  - ابراهیم جلالی
  - فرور خدیقی
  - وصال‌آبادی
  - گوهر همدانی
  - جبار نعمتی پاداری
  - حمید اکبری آذر
  - محمد پور فاضلی

- مرتضی فاضلی
- اسب ملکی
- حسن مجیبی
- فادی حسن راده کوشی
- زهرا برمان بردار
- معلم سرخس
- احمد سرزم
- سعید میرتکاری
- هرمزگرچی سانی
- مسعود جمع‌پور
- نریدون شافعی
- یوسف کوشی راده
- جواد کاشی
- اسوفا سم رشوند برداری
- و دیگر رفقای فدائیان گرامی یاد
- یاد رفقای بان باغچه در شهر بیورنا
- محمود تقدیری
- عبدالرحمان ایروانی
- اسرج سپهری
- علی میرتکاری
- انورا عثمانی
- محمود سانی
- هاشم سانی
- اعظم السادات روحی آهنگران
- حسن سعادی
- طهمین اکبری
- حمید بخجالی
- احسان ناهید
- شهریار ناهید
- محمد مجیدی
- حمیدرضا مالکی

- احمد مدادی
- محمد تقی فرومند
- بهنام رهبر
- بهمن رهبر
- محمد رفائی
- سعید کریمیان
- پرویز داوری
- غلام حسن بیگی
- حسن صالحی
- علیرضا شاه بابائی
- ناصر فتوتی
- محمد سیاسی
- حمیدرضا ماهگیر
- عباس کابلی
- نادره نوری
- علیرضا پناهی
- قاسم معروفی
- اسوگر آرمان
- هوشنگ احمدی
- رشید یزدان پناه
- محمد رضا ستوده
- سزین چشتی عطاشی
- مرتضی خدا مرادی
- مصطفی شمس‌الدینی
- قاسم سدباقری
- عبدالرحمن غفوری
- عزیز محمد رحیمی
- اصغر جعفری جراسری
- بهرام دهستانی
- خسرو سارکی



پتک است خون من درد دست کارگر  
داس است خون من درد دست دوزگر  
کرامی باد خاطره سپیدای  
نور داد و سپهر نور عباد  
سازمان



کمونیست فاشیست جدا از همند  
پرولتاریا ما دارد  
کمونیست در مبارزات پرولتاریا و  
مطلب کوما کورا طرفی مصالح مشترک همه  
پرولتاریا را، صرف نظر از مصالح ملی ما  
ندم نظر قرار میدهد، و از آن دستفراخ  
مسامد، و از طرف دیگر در برابر  
کوما کوسی که مبارزه پرولتاریا و  
سوز و آزی طی میکند، آنان همه  
بناستگان مصالح و مصالح بیام حسن  
همه همین است کمونیست علیه  
عزم خود بخش پرولتاریا همه کشورها  
و هسته محرک حسن به پستاند، و از  
لحاظ تئوری آنان به شرایط و جریا و  
تفاح عمومی حسن پرولتاریا است  
می اندیشند، جد کمونیست مشکل  
کردن پرولتاریا محووت یک طبقه، جهت  
سویگون ما حسن ساده سوز و آزی و آحرار  
قدرت خاکه سیاسی سوز پرولتاریا  
مسامد.

رفعی ما ما هدف مشکل کردن پرولتاریا -  
ریا محووت یک طبقه، جهت رهبری حسن  
انقلابی و سویگون ما حسن رزم عسای  
سرمایه داری شاه و جمهوری اسلامی و  
کسب قدرت سیاسی و حسن سرمایه داری  
دیکتاتوری پرولتاریا جهت حسن  
سویا لسم و کمونیسم، از وضع ندا کتاری  
حتی بدل جان خوبی در سردهای عسای  
و نکتیحه های خازج از سوز و آزی های شاه  
در صفحه ۱۷

- ★ ۱۷ شهریور با داور نقش سرکوبگرانه پلیس و ارتش
- ★ قیام ۲۲ بهمن به ارتش ضربه زد اما آنرا نابود نکرد.
- ★ از آن پس، سپاه، کمیته، ارتش و پلیس نقش خورا با کشتار و سرکوب  
مسردم ایفا کرده اند.
- ★ در انقلاب فردا، با بدکلیه ارکانهای سرکوبگر در هم شکست و تسلیح  
عمومی توده ها و ارتش توده ای را جاگزین آن نموده

## یادداشتهای سیاسی

### ۱- جمهوری اسلامی در رویای کسب ژاندارمی منطقه

به بی نام و موقعیت جمهوری اسلامی در  
پله آخر مطرح میکنند. یکی از اهداف  
اساسی رژیم را آزادانه جنگ به تهوروشنی  
آنگار میکنند و آن کسب ژاندارمی منطقه  
و بدین ترتیب آن از سوی قدرتهای بزرگ است.  
جمهوری اسلامی از ابتدای جنگ و هدف بهم  
پیوسته را دنبال کرده است. تثبیت قدرت  
از طریق از سرگرداندن بحران انقلابی و به  
خدمت در آوردن این قدرت در جهت کسب  
پان اسلام و کسب قدرت سرتی در منطقه  
از کسب و آزی دیکر کسب قدرت برتر در  
منطقه و بدین ترتیب آن از سوی قدرتهای  
امریکایی سبب در داخل، سبب رساندن  
موقعیت جمهوری اسلامی را در زمینه کسب  
ژاندارمی منطقه چگونه ارزیابی میکنند.  
رساندن در مظاهرهای که ما مدبران  
عداوستیای جمهوری اسلامی داشت، گفت:

کسب ژاندارمی منطقه یکی از  
اهداف جمهوری اسلامی از جنگ ارتجاعی  
است که اگرچه در آغاز جنگ و نامدنیها  
پس از آن، این هدف را بهمان مدانت  
اما اکنون مدتی است که بر آن حکومت  
این هدف ارتجاعی خود آنگار میکنند  
میکوند. رساندن در یکی از طبقه های  
نما رجمه تهران گفت: "آیا این سبب  
در شرایطی که برار کرد، وضع جنبه ها  
به آن وضعی که در آمده، ما اریله های  
زیادی با لایسم و نزدیک است تمام  
رسدم، ما در سرکودم؟ ما برای منظمی  
هم هست حال که ما را تمام، حسن هم حسن  
احسان را میکند، انگار رجهای، حسن  
احسان را میکنند ما رسدم به آن بلکه  
بالا، دیکرالان سر و کله ما از بی نام  
پیدا میشود سوی منطقه، در اردابین بردان  
را میکند."  
آنچه که رساندن در قالب رسدن

## هدای فدائی

۸/۵ تیر روی موج کوتاه

ردیف ۷۵ متر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق